

در انتظامات و ترقیات ملک ایران بدستگیری بیگانگان نوشته شده بود

و ضمناً مجلسی از فوائد کلی شریک و شامل کردن ایرانیان تربیت یافته مقیمین خارجه و مسلمین و زردشتی و مرقوم رفته با کمال خوش حالی خواندم  
 میرزا دوستی که مر دوستان را  
 دواي دل و مرهم جان فرستد

اگرچه از سی چهل سال گذشته جراند فلسفی  
 حاصه ختر و جبل‌المتین و خیر خواهان وطن بویژه  
 حساب برس ملکم خان نظام‌الدوله که صیت عظمت و  
 کفایتش حلك رسیده و سوت علوم و دانشش ملک  
 شیده نارها معاب و تقایص را بیان و راه رفع معایب  
 و احتیاجات و وصول سعادات و ترقیات را نشان دادند  
 ولی از آنجا که در آن سوات اکثر اوقات کار  
 برای آدم پیدا میکردند به آدم محبة کار چنانچه  
 مرحومین میرزا حمزه خان مشیرالدوله و مشیرالدوله  
 سبسالار را تولیت و حکومت حراسان دارند - امیر  
 نظام رضوان مقام را حاکم کرمان و حساب نظام‌الدوله  
 را در روم نهادند که تقیة عمر گرمی و وقت گران  
 های آن ادب شمشیر سد در آنجا بهوده صرف شود  
 در حالیکه بجهة حکومت ولایات و گامداری  
 مرحدمات رحال کافی کیشاب بود بلکه برای انتظامات  
 گمرکات خودشان را محتاج استقرار آدم از ملزمت  
 میداستند سمرای دافعی در درار فرنگستان گذاشتند -  
 از آن همه رنگین تر احکام خدا و ائمة هدی علیه‌السلام  
 را برطاق نهاده و در روی هوای مس همی حکم کردند  
 تا مردم کور و کربانند و جند روری خر سواران  
 خر رانند

چه بسیار طاهر و آشکار است که ربع زحقی که

آقا میرزا علی‌اصغر خان در انجام مرام فرنگیان بواسطه  
 ازدیاد مداخل خود کشید اگر صرف انتظام ایران  
 سکرد بود امروز ایران قوی تر و غنی تر و بلند  
 آوازه تر از جاپان عهد بود

- ۱. مکتب داده بنیادی و کردی همجو راه
- ۲. لیک های جکاندرویش مطلع عقد برزد
- ۳. دورنل چون آسان و در عمل چون آفتاب
- ۴. همجو کردن گردگرد همجو انجام دورزن
- ۵. هفت و چهار انگشته یقی در کف یکدست او
- ۶. بشرد ز انگشتها پیوسته عمر مردوزن
- ۷. خلود جواد، اما نباشد ساعق طفل ر کار
- ۸. روز شب بیدار چون بخت سفر مؤمن
- ۹. اشرفه احمد بیون سردار کار آگه رضا
- ۱۰. ارفع الدوله سرنام آوران انجمن
- ۱۱. در مدارس نزد هر استاد داده امتحان
- ۱۲. در مجالس ز آنچه دارد یاد گشته محتس
- ۱۳. مکتب دانش بدو دابر جو از محور سپهر
- ۱۴. گلشن دانش بدو خرم جو از باران جن
- ۱۵. صلح کل اندر رضای اوست کز او راصید
- ۱۶. هم پرستنده خدا و هم پرستار و تن
- ۱۷. حامة او در اثر رمعی بود کشور کشای
- ۱۸. نامه او در نظر معنی بود لشکر شمس
- ۱۹. در بر شعر جو آب و نظم همچون کوهت
- ۲۰. آب گردد از خجالت در بدریای عدن
- ۲۱. تزار کاک تو میزاید چونزه از سپهر
- ۲۲. شعر از طبع تو می ناید جو شعری از بن
- ۲۳. گز صبور بر اسحق افتد در آن حصرت قبول
- ۲۴. شعر او ماسه در نین یلد غن
- ۲۵. دو خراسان جزو رضا من بده را مدوح نیست
- ۲۶. از رضا چه تو رضائی آمدی مدوح من
- ۲۷. اینتفسیه در جواب آن کسی گفتم که گفت
- ۲۸. ای هاده در میان فرق جان خوبستن

مکتوب

بعد از القاب در روزنامه مقدس جبل‌المتین که مر  
 واج تربیت و تمدن را آبی بین و در ارتقاء مدارج  
 ترقیات سامی و معنیه و متین است شماره (۲۴)  
 منقوش در باب خیالات عالیة اولیاء دوات علیه

حقیقاً و ذریفا که از شاکت خطمائی بی ذری  
او در این مدت مدید با تهدیدات علای دین مبین و  
تحریرات خیر خواهان دولت اند قرن نتایج منتظره  
نظید نگردید و رقیبان در قهقهه و مادر قهرا افتادیم  
از آن طرف اولیاء دولت خوش بخت واپون از  
برکت و هیمنت اتحاد و اتفاق در اطاعت فرامین پادشاه  
و احراء قوانین حسنه ترقیبات کنیره در ازمنه قبله  
یافته و تشکیل دولت امپراطوری در آسیا نمودند و  
امروز موجب رشک و تمجب و تحسین جمیع دول و  
ملل روی زمین آمدند - بی

(دولت همه ز اتفاق خیزد \* بی دولتی از اتفاق خیزد)  
چون اکنون بغایت حصرت سبحانی و اشارات  
همایون سلطانی وزارت اعظمی شمیمه جلال نواب  
اشرف و الاسطان عبدالحمید مرزای (عین الدوله) میباشد  
و از حسن اهتمام و توجه نام و نام این شاهزاده آزاده  
والا مقام با سیاست و کیاست و فراست که  
(بالای سرش زهوشمندی \* نایبده ستاره بلندی)

تپه و تدارک اسباب آرایش ایران و آسایش  
ایرانیان دیده می شود لهذا امیدوارم که تمامی آراء  
ملك آرای جبل المتین و خیر خواهان مسلمین که در  
مدت چهل سال در جراید و کتایبچه ها مرقوم و  
معلوم داشته اند خیلی رود موقع اصفاء و اجراء رسد  
انشاءالله تعالی این ملت و دولت قویم و قدیم در  
مکال سرعت بمقام شوکت و عظمت اولیاء خود برگردند  
در بی تمیرخانه مردم حایه است  
عم چه بود مردمان و هکندری را

خطابه شاهزاده آزاده مکال الدوله دهلوی

(ار شماره ۲۴)  
(عنوان هفتم)

ای جلال الدوله - خلاصه عصر اول این بود که  
بغضاید تمام ملل عالم از ترس و بیم و ارعوب و  
چهل ریشه دیوانید بجهت دیوانیده و برای آنان

عجز و لایه و استعجاب و پرستش میبگردند و بی نور  
او آخر عصر اول بری و پرشته که او را بیو متقابل  
و دشمن مخالف دیو تصور نموده اعتقاد کردند و نگاه گاه  
از پرشتگان استمداد می بجستند

در عصر دوم درخت اعتقاد بدیوان چنانچه  
ریشه دار و ارور شد بجهت ظهور هر چیز مرعب  
و مدهش ، هر سختی و بدبختی را از اثر بی التفاتی و  
بی مرحمی دیوان مهسادی میدانستند و از برای  
وسیله علاج آن شدت و زحمت دو قسم نیاز و نیایش  
داشته اند نیاز اول تحمل ریاضات و مشقات و التفات  
و رحمت سحت بود که شاید بدان سبب از دیوان جلبه  
استرحام نمایند مانند اینکه در کوههای بزرگ و قارها  
و کوههای پیاه هوانک و دره های مهیب سهمناک که  
محل و منزل دیوان گمان میکردند برای نیاز و نیایش  
آنان میرفتند رفته رفته آقدر این درخت اعتقاد  
بدیو ریشه دار شد که بعضی در مقام سختیهای بزرگ  
دو ماه و سه ماه در مغارها متکف و مقیم و انواع  
مشقات و عجز و لایه را از نخوردن غذا و نوشیدن  
آب و بجای آوردن خشوعهای طولانی و کرتشهای  
بی دردی و تضمرات متوالی بسر می بردند و آخر الامر  
کار بجائی کشید که (کوهید) و (مجد) و مؤبد از  
میان ایشان برخاست که از جوانی ترك عیش و کامرانی  
ورشد و زندگانی مروجه آن را نموده در مغارهای  
تاریک متکف میشدند و کار خویشرا منحصر بستایش  
و نیایش دیوان میکردند و مردم این گروه را پس  
از چندی بسی با شکوه و محترم میداشتند و واسطه  
کارها و وسیله مراسم و مقاصد خویش در درگاه  
دیوان می بنداشتند و در هر بلیه برای آنان نیازها و  
قربانیا رده و از ایشان چاره رفع بلا و دفع رزایا را  
بشفاعت در پیشگاه دیوان میبجستند - اندک اندک طنطه  
و دبدبه کهدی بالا گرفت و کار مودان بجائی رسید  
که اوامر آنان را وحی آسمانی و خود ایشان را کاتبه  
و دست نشانده گان دیوان جوانی است

از آن بعد موبدان ایشان نیز از برای رفع بدبختیهای سخت نیازمند بهای بزرگ و ستایش و ندگیهای دشوار مقرر داشته و از برای دردها و دانههای محتردهاها و قربانیهای مختصر قراردادند - خورد خورد عبادت و پرستش و کیش و روشی از این رو در گیتی پیدایش گرفت هر کس فرمان برداری و اطاعت امر کبهد و عقید را در حق مردم فرض و واجب می شمرد و متهم را ماسی و خاطی و گناهکار و نابکار می پنداشت - وضع تاسیس دین و کیش بسته به منش و خوی کبهد و معبد بود هرگاه صاحب طبع خشن و سقیم بودی احکام سخت تا هموار مخالف طبیعت صادر نمودی - و اگر مالک طبیعت لطیف و خوبی لطیف بود احکام و قوانین عبادت را بر اساسهای سهل و آسان بطبیعت می نهاد و وضع می نمود

تا این نقطه برهان طبیعی و دلیل تاریخی حالت اقوام و مذهب قدمای ایران بیان شد اساس اعتقادات و دین و آئین هندیان و رومیان و مصریان و سایر جهانیان بدو آروی همین شالوده و بیکره بود چنانچه ~~کتب مقدسه~~ هندیان والواح قدیمه یونانیان و آئین بت پرستی اروپائیان و داستیر و اساطیر پیشینیان گواهی میدهند که بخدایان متعدد قائل بوده اند و همواره مر آنان را نیایشهای مختلف کرده و در سختیهای روزگار و بدبختیهای کاروبار به ( پندت بزرگ ) و برهمنی هندیان - و به مهادیو کبهدان و ویدان ایرانیان به ژوبتیر و هر قول و آئین و میاکل دیگر یونانیان پناه می بردند و تمام ملل و مذاهب عالم در اعتقاد بخدایان متعدده و ناشبان ایشان از آدمیان و قریضه شمردن فرمایشات آنان همه با هم متحد و متفق آمده در اساس دین و آئین بایکدیگر تدریجاً مشارک داشتند ( لافرق بین احد منهم ) زیرا که همه بخدایک ریخته او از ترسها و هول و هراسها که از اشیاء مرعبه و مهول و موحتش حاصل شده بود معتقد بودند و به برگزیدگان مقرب آنان و حکام گزاران خدایان و

واسطه میانه خویش و ایشان ایمن آورده بودند و بآئینیکه آن برای محرز و زاری در درگاه خدایان تاسیس نموده گرویدند پس معلوم و مبرهن شد که اصل و اساس مذاهب و کیش قاطباً از اعتقاد بخدا آمده است و اعتقاد بخدا از زمان وحشیکری از ترس و هول و هراس در آنها پیدا شده بود

و چون علت جرّهای مهول و جاره دفع و دفع آنها را نمیدانستند یا نمی توانستند تا چار آنها را بزرگ و مقتدر و عظیم شمردند مر آنها را نیاز و نیایش میکردند ملخص ریخته اعتقاد قدما و آئین آنان از ترس و هراس از اشیاء مجهول الحال مهول روئید و کل ملل را تا درجه اتحاد درباره دین بود

اما اختلاف مذهب و ادیان بر حسب اختلاف سلیقههای پندتان و طبیعتهای ویدان حاصل شد چنانچه سلیقه پندتان هند ستایشهای بسیار با زحمت و بر مشقت بود که در مر تاضین و متدینین هندیان دیده می شود که چه قدر تحمل زحمت و ریاضات سخت میبایند و دین آنان از همه ادیان پر رنج و مشقت تراست ما با سایر ادیان قدیمه کار نداریم سخن از آئین باستان جوسان ایران میرایم - تمام ویدان جوسان تا اوائل عصر دومین بدیوان معتقد بودند و در درهای کوهها و غارهای مهول برای پرستش آنان میفرستد ولی در اواخر این عصر که اندکی حس و ادراک آنان نورانی شده به پریان و پرشتگان گروش کرده سرورها و عیشها و برکات و محصولات سال و ماه و روز را از اثر آنان تصور کرده توم می نمودند و خورد خورد چون فرشتگان را در برابر دیوان دشمن و مخالف دانسته از ایشان بآنان پناه بردند و پرستش آنان می نمودند

این مسئله را نیز باید دانست که جهل و نادانی در طبیعت مولد و مؤسس و مؤید و مقوی ترس و هراس است و آدمی بهر چه نادان تراست ترسش از آن بیشتر میباشد چنانکه در تاریکی شب انسان طبعاً بیشتر از روشنی روز میترسد چونکه جهل و نادانی مقوی و

برعکس عم و دانایی مؤید مرور و  
و بیم است سایر این قانون طایبی در  
سر دوشم که حسن ایرانیان روشن شده است  
خان اردیوان کاسه و بهرستانگن گروش کردد یعنی  
شروع نمودند بهمدن است حادثات و دفع عمار و دفع  
هر چیز موحش را عمه طایبی مثلاً برت و بر ماهالی  
صحت اندامهای گرم کله و وای طو وای برک  
اساسها و ساهای محکم سحت و در هر ساحت سری  
و مهلك محبت و پرده بر و گریز حاضر کرده و در هر  
چیز شروع عملجه کردند و چون منزل پریر که ستم  
دیواند و باعث سرور و بری جهان در جهها  
و گلزارها و شکوفه در ستم شمشه ها و امده  
کوهها توهم کردند از این حیث خوش آمد بریان  
و رسای خاطر آنان مجلس و ستم و ستم آوار  
و نوش در آن اماکن فرج در ستم آب و هوا  
آماده و مهیا نمودند و من حیث لایعلم این قانون را  
طبیعت نباشان آموختند و در آخر هر ستمات و  
نوائب و هولها و هراسها به ستمها و ستم رهها و جهای  
با صفا و هوا دفع آن عم و لای ستم و بریان و  
پر هشتگان را صیانت و مهارت و ستم بجا آوردن در  
دادهها و عمها ستم شده بر دعوت میبایده در هم  
برمی آید که مؤبدان اشیا نیز ستم ستم ستمه و  
مشرب بوده اند چنانکه در آن ستم ستم ستم ستم  
مرگ و عباداری آوار ستمها گرفته بهتر ستمها  
وا در آنجا کار میرسد (باقی دارد)

شرح حال ژاپون

از شماره ۳۴

میکادوی حلیه

نام این امپراطور (متسومی تو) در سال (۱۸۵۴) متولد شده و او پسر امپراطور (کومی) است که در سال (۱۸۶۸) جانشین وی گردید و بر تخت پادشاهی قرار گرفت در سال بعد شاهزاده خانم (هاووکا) چاکر که دختر (نداکا) یکی از اشراف است تزویج

نمود - بعد از آنکه فتنه سال (۱۸۶۲) خاموش گردید این پادشاه ابواب مملکت خود را بروی اجانب باز کرد و شهر (یدو) را پای تخت قرار داده و آنرا (توکیو) نام نهاد و علماء و مشرعیین و دانشمندان واقفین بعلوم حریبه را از اروپا و امریکا خواسته امر نمود که معارف و علوم را در بلاد ژاپون نشر دهند و قوانین مدنیه و نظام عسکریه مقرر دارند امور مالیه و ضرابخانه را اصلاح نمایند - در ساله (۱۸۸۹) قانون نامه جدیدی از برای مملکت خود مقرر داشت مهم ترین و قایمیکه در زمان حکومت این پادشاه واقع شد جنگ چین و ژاپون است و داخل شدن ژاپون در چین در زمان شورش طایفه (باکتر) در (۱۹۰۰) بعد از آن اتحاد بین انگلیس و ژاپون در (۱۹۰۲) پس از آن جنگ حلیه است که طاقت ارا خدا داند ارا این حا معلوم شد سکه میکادو کسی است که رسانیده است امت ژاپون را نواج سعادت و اقبال و در بلاد خود محبوب القلوب است - عم آنکه اکثر وقایع خطیره این مملکت در ماه فوریه واقع شده که منجمله پادشاهی میکادوی حلیه و وضع قانون تازه از برای مملکت ژاپون و بالاخره شروع حرب ژاپون با روس در همین ماه واقع شد -

اوصاف و شئال امپراطور ژاپون

قامتی بلند دارد و چون در وی سطر امعان بودقت ملاحظه شود معلوم میگردد که مردی است مهذب و فزیر که میتواند او را نسبت داد بهم حساس خود مگر چشایش را که شکل بادامی است و دائماً بیک حرکت اندک شخص را مؤثر میشود این امپراطور بسیار خوش روست و در نظام رتبه وکیل دوم را داراست و لباس همین رتبه را در بر میباید از سی و شش سال تا کنون - شخصاً صاحب ثروت بزرگ است مثل امپراطور روس نهایت اهتمام را بامور مملکت خود دارد زیرا که هر روز مقابل میشود و رراء خود را برای اطلاع بر مملکت و در مطالعه روز باجهات شوق زیاد دلرد و بزبان خود شعر را خوب میگوید و با مردم

بندر (پوکوزوکا) کور - بخازای - ماسوای - ماسبو -  
میزورو - توکاشا - کوبی - او مینانو که دولت ذقال  
هنگفت انبار نموده است

### مالیه و مایدات ژاپون

در سال (۱۸۸۰) مادی این دولت ۵۸۰  
میلیون فرنگ بود و اکنون سه هفتاد شده است -  
میکادو طلا و نقره که در خزانه داشت بیرون آورده در  
انگلیس ژاپون گذارده تا آنکه سرمایه صندوق احتیاط  
باشد و در موقع لزوم بجهت این حرب تازه مصرف شود

### قشون و نظام ژاپون

امپراطور کنونی قوای عسکریه این مملکت را  
بسرحد کال رسانیده و قشونی بر نظام جدید مرتب  
نموده است در سال ۱۸۸۲ بلاد خود را تقسیم بشش قسمت  
عسکریه نمود سوای جزیره (یوزو) و این شش قسمت  
عبارت است از توکیو - سندای - اجویا - اوزاکا -  
هیرویشا - کوماهوبو - در موقع جنگ با چین قشون  
خود را بر وفق نظام آلمان مرتب ساخت و خودش  
سردار بزرگ لشکر بود و در ژاپون نه مدرسه حربیه  
تأسیس کرده که صاحب منصفان و مهندسی و اطباء و  
سایر مستخدمین عسکریه هر ساله از آن خارج میشوند  
و خدمت عسکری واحد مگر در برکسیکه عمرش به  
همه رسیده باشد تا چهل و عاخر نباشد از این خدمت  
وطنی - اول تا سه سال در قشون مشغول مشق میشود  
و چهار سال در لشکر احتیاطی و پنج سال در قشون  
مستحفظ و تا چهل ساله کی هر وقت لازم بشود او  
را میطلبند و قشون احتیاطی هر ساله باید دو ماه مشق  
نمایند و لباسهای قشون ژاپون کبود است و لیکن هر  
فرقه قشون نشان مخصوص دارند نشان پیاده سرخ و  
علامت سواره سبز و مال توپچیان زرد است

(بقیه دارد)

### اصلاحات جدید یا خیالات

#### مالية وزیر اعظم

(از شماره ۲۳)

در این موقع که در صدق نشر و خیالات و منویات

سوان خلیل اهتمام دارد چنانکه بخشیده است زنان مملکت  
خود را امتیاز زنهای اروپا را ولی عهد این بادشاه پرنس  
(پوشینو) است که (۲۵) سال دارد و در سال (۱۹۰۰)  
تزوج کرده و پسری در (۱۹۰۳) از او بدیبا آمد -  
امپراطور بس ژاپون مسهات است به (ماروکا) و از رؤساء  
طایفه (فورجیوارایتسجیا) میباشد و در فوریه (۱۸۶۹)  
بامپراطور همخواه شد روابط غیره شروع و بسی از  
لوقات اهل ژاپون از پادشاه راه شرمی این امر را طلب  
کردند ولی اعتنائی بجواب نکرد چنانکه هم احداث است  
که از زمان سلطت چندان عقید شریعت بودائی نیستند -

### وزیر اعظم ژاپون

وزیر اعظم (مارکویزایتو) است که نزدیکترین کنکی است  
از برای امپراطور در ترقی مات ژاپون و شبیه است پرس  
بهارک را در ارتقاء ملت خود بیلاترین درجات رفعت  
و یکی از اعضاء مجلس قدهاء است

### (مجلس قدهاء)

این مجلسرا (خبرو) مگویند که مجلس مخصوص  
میکادو است و مرکب است از (مارکویزایتو) و (مارکویز  
یوجانا) و (کونت ما تساجانا) و (کونت اینوی) و  
(مارکویز او یانا) اگرچه قانون حکومت باین مجلس  
همه گونه تسلطی نداده است ولی کلیه آراء این مجلس محل  
اعتقاد است در امور دولتی و ملتی

### راه آهن ژاپون

طول راههای آهن بالغ میشود امروز به (۲۰۰۰)  
کیلومتر که ربع این مقدار متعلق بدولت است و سه ربع دیگر  
از کپانیپاوشاره قطاران که متعلق بدولت است (۴۰۰)  
میباشد آنچه از شرکتها (۱۰۰۰) است و راههای سواری  
راه آهن متعلق بدولت (۱۲۰۰) و بملت ۳۰۰۰ و راههای  
اجناس مال دولت (۵۰۰۰) و مال شرکت ۱۵۰۰۰ و از  
این نکته معلوم میشود سهولت حمل و نقل بجهت دولت ژاپون

### انبارهای ذقال سنگ دولت ژاپون

مقصود از این عنوان انبارهاست که در بنادر ژاپون  
نبیاشد که دولت در مواقع لازمه منها نفوذه است در

رد بزرگ برآمدهای لازم است اولاً شده از حالات سلوک و وضع و ترتیب زندگانی و انتخاب اجزاء و ملتزمین و مشاغل اوقات شبانه روزی این وزیر خردمند طبع خواه بیان شود تا عموم قارئین جبل‌المتین مسبوق شده مقایسه حالات او را با وضع وزراء سابق بوجدان خود درک نمایند - مقدمتاً لازم است چند سطرى ذکر شود -

وزراء و رؤساء که کارگذاران امور جمهورانند دو امر بزرگ را باید مد نظر داشته عمض عین از آن نه مانند که دوام و قوام ریاست و بزرگی منوط باین دو است

اول - تدبیر و توفی شیون راجه بملك و ملت با اراده خاصه

دوم - وضع سلوک و حسن معاشرت و تلقی مرؤسین و زیردستان - شك نیست که شخص رئیس هر چند دارای علم و تدبیر و تجربه کافی باشد هرگاه وضع سلوک او با زیردستان و تابعین خود بطور شایسته و مناسبت نباشد قلباً و باطناً از او رنجیده خاطر و مکدر خواهند شد (ولو کنت فتناً غایب القلب لانفضوا من حولک) اشاره همین مقام است و هرچه رتبه و مقام شخص رفیع تر و شانس فروتر باشد حفظ این مراتب برای آن لازم تر و مهمتر خواهد بود - مخصوصاً شخص اول دولت که تکلیف خصوصی او در رسیدگی بامور جمهور و انتشار عدل و داد و رفع ظلم و اعتساف است

پس باید خواب خوش بر خود حرام نماید و شب و روز فیصله امور بردارد تا خلق با او از در رغبت باشند همیشه جبهه استماع حرایض مالموفین و مظلومین حاضر باشد - آیا چگونه رواست وزیر که از جانب سلطان داد خواه رعیت و حامی حقوق آنها معین شده است در بستر راحت با حاضر شاد و خرم غنوده باشد و ستم دیدگان شی را تا صبح بآه و ناله و استغاثه بدرگاه آبی مشغول باشند دعوی و راحت در مذهب

رعیت داری منافی و مباین

هرس ملک کسی تنگ در بطن گیرد که بوسه بر لب ششیر آب دار زند حالت شخص اول دولت باید سر مشق تمام وزراء و امناء و رؤساء بلکه عموم رعیت باشد زمانیکه نمایند بزرگ پادشاه فحاش و هرزه گو و مایل بسختان ناخشنود باشد تدریجاً حالت تمام وزراء باندک مدتی ردى میشود حتی استاد بقال در دکان همان سختانرا با شاگرد خود میگوید - بالعکس اگر متعارف و معالی آداب و متواضع باشد بعموم طبقات این حالت سرایت میکند چنانکه در زمان مرحوم حاجی میرزا آقاسی اکثر مردم فحاش و هرزه گو شدند - پادشاهان فراسه بواسطه و مذهب کاتولیک همواره بکنفر کار دنیال را از جانب پاپ رئیس کلیسای (رومن) آورده وزیر اعظم نموده زمام مهم انام را بکف او واگذار میکردند و اینان برای استحکام امور خود خلق را بوم و گمراهی میافکنند و حالت تکبر و حرص و طمع آنان بهمة مات فرانسه سرایت کرده بود و اغاب وزراء ایران همین حالت را بضمیمه عیش و خوش گذرانی و بدسلوکی دارا بوده و بهمین واسطه اخلاق ملت نجیب ایرانرا بالکلیه فاسد و خراب کرده اند بوضیحه اصلاً بقیح این صفات ملتت نمیشدند -

وزراء سابق حتی بود که صبح را باید در خواب ناز تشریف داشته باشند و نوکران و سایر طبقات نیز بدانها تاسی جست کم کم حال بدانجا رسیده بود که کتر کسی در طهران صبح بیدار بود مخصوص ایام بهار و تابستان که شبها کوتاه و حالت کسالت نفوس طبیعی است و سر این مسئله آن بود که شبها مشغول بکسکفات و خوش گذرانی میشوند - و زیاده از هشت و نه ساعت شب را باین ترتیب صرف میکردند صبح حالت بفرط خواب و کسالت مختار مانع بود که برخاسته بتظلم امور جمهور مشغول شوند کار ملک برونق آید و بر همین وجه و عیبها گریختن از

یکی از آل ظاهر بیوای کرده از سبب ذوال ملکشان  
 جوایز بگفت ( شراب بالمشیات و نومه فالتوات )  
 جزایز بیوای بگفت باجم از تدبیر و تقصیر در امور  
 و مطیبه لایمت و در شب که مجال فکسر زیاد است و  
 تألیف بگفت و تدبیر امور را موقی خاص بواسطه  
 صرف مسکر به بطالت میگذرد و بصبح سکه وقت  
 رسیدگی و فیصله امور مییابد خواب نازمان شده رشتن  
 امور گیسخته میگردد - ولی وزیر اعظم کلیه این ملک  
 را تغییر داده داشته اند خویش گذرانی و راحت و تمتع  
 بجایه و مناهی با ضبط ملک و مات منافی است  
 لذا کلیه از این گونه مطلق صرف نظر نموده اند  
 از حالت سابقه ایشان مختصراً اطلاعی نیست ولی آنچه  
 حلیه برای العین مشاهده میکنیم این است که ابداً بشرب  
 مسکر و استعمال الکحل متذاد نیستند و بدیگر ملاحظ  
 اصلا میل ندارند از قبیل موزیک و سوان و اماره  
 و قمار و غیره - و هر یک از نوکران خود را که با بست  
 باین امور دیدند فوراً اخراج میباید - و هر چه  
 بوسکر از این اعمال دور باشد در نزد ایشان  
 مقبولتر است - رفیع تر است - سر این مسئله نزد عقلا  
 پوشیده نیست چه وقتی بوسکر معتاد بانواع مسقوز  
 فخور شد طبعا از مراتب خدمت او کاسته میشود  
 مثلا اگر معتاد چهار باشد لابد است مدتی از وقت خود  
 را ذخیره صرف این عمل قبیح باید و چون مایه  
 خود کمبایت باین امر نکند هر وسیله که داند و هر  
 تدبیر که تواند مال و منال رئیس خود را سرفقت نموده  
 سرمایه این تجارت کاسد خود باید و باحریفان چند  
 مشغول ملاحظه شود و اگر دستش سرفقت و مال رئیس  
 بطور زحمید ناچار است حرص و ناموس و شأن و  
 عرق سوا نیست خود را بر باد داده تا راس لیلی بجهت  
 فساد تحصیل نماید تا از حرفان خود عقب نیفتد و همه  
 کس میباید جهت بقادر بازان و ملاحظه بداینها ببرد  
 بگردد این بجهت باین بجهت باین بجهت باین بجهت باین  
 بجهت باین بجهت باین بجهت باین بجهت باین بجهت باین

و هر قدر رئیس بر مناسبت و مواسب او بیافزاید با این  
 عوارض نمیبی قلمه به بحر خواهد داشت - کذاهی اگر  
 معتاد بشرب شود اکثر وقت آن فوت شده قهراً از  
 خدمات بمخدوم خود باز خواهد ماند و نیز در حالت  
 سکر و غلبه مستی حفظ اسرار و ودایع را نموده خود  
 و ارباب خویش را ضایع و طاسد نموده - و سبب ملک ناموس  
 هر دو خواهد گردید - و هم چنین است حالت مردمان  
 شهوت رست سکه بجهت خاطر پدری امرد و زنی  
 فاحشه ملک و مایق را بر باد فنا داده خود و اربابش را  
 مورد تهمت لاهی بیسازد - و هم چنین نوکران رشوه  
 خوار و حریص و طماع بجهت فواید شخصی مرئک کار  
 های زشت شده ناموس رئیس خود را بر باد میدهند -  
 و همین قسم است مردمان تقاب نادرست که منافع شخصی  
 خود را بر تمام حقوق نوعیه مقدم میبشارند و فطرتاً  
 محبول و مجبور بر افعال شیمه و اعمال قبیحه اند خواری  
 و دات را افتخار تصور میباید رزالت و بست فطرتی  
 را علو مقام و ارتفاع درجه تصور میکنند - این بود  
 حال اغلب ملازمان و گماشتگان صدر اعظم سابق ایران که  
 پیشتر از طبقات پست و کم اصل بودند قیصریه را  
 به بند شواری آتش میزدند و مایق را در بهاء دیباری  
 میبروختند تصح در این بود که اغلب مستخدمین  
 و بوکرهای مشارالیه در یک مدرسه درس خوانده  
 و یا در یک قالب ریخته شده بودند با این همه بعضی  
 مردمان خوش حس و یک فطرت که مانند مؤمن آل  
 فرعون بودند کم ایمان نموده در موقع لزوم خدمات  
 خود را بدولت و مات تقدیم میمودند روی کار بودند  
 شاید بعضی تصح کنند که یک در خانه چگونه مورد  
 اجتماع این جماعت گشته و تماماً خود را به یک قطعه  
 سرگر متوجه ساخته بودند ولی هیچ حای تصح  
 نیست که باز قدیم الایام گفته اند  
 ذره ذره کاندین انضیا و سیاست  
 در این بجهت بجهت بجهت بجهت بجهت بجهت بجهت بجهت  
 بجهت باین بجهت باین بجهت باین بجهت باین بجهت باین

طابقاً اجزای حلیفه و علویه قبل استرداد نیشابور و اصفهان  
سختی و مظالم و قتل و غارتها و سرکشی و غارتگری و  
ارواح آسمان میباید آتش و خون و...  
از مقاطعین قلی و قوه کمر بایچه هرگز در میان سیاحت  
هرم استراحت ملک و مفتاح خیال سعادت خنده ملک  
شخص اول را انگشت گردان خویشتن ساخته بود  
در این صورت شیخ غنی ناظم القزاق را مجبور نمود  
چرا باید مورد ضرب و تادیب بود بخون گریز  
(بالی دلمون) ...

بقیه تا کرات

(۲۱ زبج الاول - خون)  
از (بوسرک) هر ارث عدم املیت سرحد منجوریا  
و اختلاف قشون سرحدی چین و غیر رستیده اجناس  
استیاضه میشود که مردار قشون جینی حنزل (۲۵)  
الزام این امر از سرداری قشون سرحدی نسیاف  
سواهد شد

از (جیفو) خبر رسیده که لشکریان ژاپونی از  
حالت خریدهای رلیاوانک) با قوت تمام محاب سدر  
(آرتیر) روی آورده اند حصه که از جانب مشرق حرکت  
نموده بود تا خصم مقابل شده اند ولی سیه عرب معلوم است  
ژاپون (دالی) را مرکز لشکر محری خود حرار  
داده قشون رمادی در آنجا وارد میباشد

دو فروند گشتیهای جنگی دولت اسپانیا محاب  
(نامبر) سدر (مراکو) حرکت نمود

توسل روس از (جیفو) خبر رسیده که یک  
سختی زاپون که معلوم است جنگی بوده با تحارین  
در ساحل (آوان) با هم مرهنگ دریایی مصادم شده  
خرفی گردیده اند

در سلا بوسرک) این خبر رسیده است که  
(واشنگتن) تردید شده است که ذوات امریکا جمع الحزاق  
مریکا را ترابول و اگذار نموده است

در وی تخمیناً خبر رسیده که تجزیه لا کروواتکن  
برخی لشکرکشی است در آنجا از طرف امریکا و ژاپون حکم

لشکریان روس (ششصد تن) و زوایع آن در جنوب سیاحت  
در در بوزر بک (مراکو) خبر رسیده که حنزل (مراکو) و  
الخصای لداره بخوابتن و با مصلحت و آیین مخصوص نما  
صنک میباید (مراکو) و ژاپون (مراکو) که در جنوب  
(سیانتک) ابلات حرکت داده ...  
سلا وید محری و امیرالسیر (مراکو) و با مصلحت ژاپون  
پشمند نیک بسیار سابق محری هستند - نموده و به پنج  
امران کوچک که در ایکنه باروسن ابرار خدمت شایسته  
داده اند ترقی دهند بجهت است

(مراکو) طوق اعظم انگلیس در پارک لورای  
بلی انگلستان اظهار داشته که شرط اولیون و انگلیس  
در باره این حکم انتشار نموده شد و دولت باسنتهای  
مدانه فکران حقوق وجود هست

در (کلارو) علی الصاح یعنی دو ساعت از دانه  
گدشته حملات مدین مطر و روه قطار راه آهن بودند  
بکفیه رمین او بر باطن مانده گونی هوا جریه بود  
شازده نفر را هلاک ساخت او آن معلوم نموند  
که تاریکی را دهن نموده مسافله صد (خیت) خیل  
آن را آتش زده اند الزام این حرم مشورشیان رسیده  
شده ازین رو فوج (میشیام) را مطاب کرده اند

سختی جنگی انگلیس (براس آبی وین) از  
(حل طارق) فردا محاب (نامبر) حرکت می نمایند  
فعلاً ملقوی شده است که هفت کشیمای لشکر انگلیس  
و یکی از هم (کروسان) محاب (حنوا) حرکت نمایند  
(۲۲ زبج اول - ۱۷ جول) ...

حنزل (کروواتکن) در (بوسرک) خبر رسیده که حنزل  
خنگ (مراکو) که بتاريخ سوم مهر سال شد  
پنج ساعت کامل لشکریان روس مقابل هم جمع نمودند  
این مقام در هشت مین (مراکو) واقع است  
ژاپون با لشکری که ترقی کرده تمام نموده بودند  
بر آنجا ...



هفته آنرا در پی خود در حدود میدان افغانی شانزدهم فروردین  
 قس سواران در پی خود گریه میفرمودند. و تا ساعده بی  
 از جانب (ایالتک) خبر میبود که بسیاری  
 از تاجیهای خارجه را امر شده که بجانب پیشرفتی حرکت  
 نمایند یعنی ما با سواران که در (کنجو) و ژاپون جنگی  
 نمودند و بجانب شمال حرکت کرده معیت خواهند کرد  
 و برخی از وقایع نگاران اخبارات را حکیم شمر  
 که بجانب (ایالتک) حرکت نمایند و هوای آنجا  
 مناج آنان بهتر میسازد و مقام مذکور بمثل او اصرار  
 خارجه گردیده است

§ جنرال (کروباکن) در قطار راه آهن مخصوص اعصاب  
 اداره خلوتش را جا داده همه روزه سر رسی اردو  
 های مختلفه این مقام بدان مقام دیده حرکت است

§ (مستراتیل) وقایع مکار محسوس (ذیلی تلگراف)  
 را قشون جینی در قرب (سکو) هدف کاروله نموده وقایع  
 نگار (دیلی مبله) که در معیت او بودار قتل دست  
 § و خبر (روتز) از (کنجو) خبر میدهند که دو روز  
 است تمام شب و روز ژاپونیا از دریا وحشی بر سر  
 (آرس) حمله میسازد

§ دولت ژاپون بتاریکی کفی (ماچیکیس) بیدا  
 حرداری نموده است

§ از (کاماکا) خبر رسید که بلشویکی روسی که بمو  
 از بغال جنگ بود ژاپونیا تعریف نمودند این خبر  
 از (خاروف) وغان حال نمود حکایت آن کادرا  
 غیر معلوم است

§ ناممربالبحر خواهد (نویکو) سرکمانکه روسها  
 در دنیا معینه نموده بودند هم را جمع کرده و با  
 بدون هیچگونه خوف و هراس چهارات دورند اند  
 § روزنامه غمس می نویسد که در بندر آرتر قوت  
 ذغال حقیقی مقدوس شده و تحولات بزرگ از  
 خارج شدن عاجز اند

§ در ۲۴ ربيع الاول یعنی در ۱۳ فروردین  
 § در ۲۴ ربيع الاول یعنی در ۱۳ فروردین

بندر (آرس) حقیقی شده کشتی دیگر اروادو یک  
 فرسخی ژاپونیا خراب نموده اند  
 § از (کنجو) خبر رسیده که در بندر آرتر  
 چند روز است متواتر شایک می شود

§ سرداران بحری ژاپون بندر (دالی) را مرکز  
 بحری خود قرار داده اند

§ خبر (روتز) از شکمائی خبر میدهند که صغیر  
 دولت انگلیس انکار نموده از دستخط بودن بر شرط  
 نامه عملیاتیکه بنام بجانب ترسوال برای کارکرد در  
 معدن گپیل دارند

§ قوایل امریکا تحقیق نموده که مستر (اترل) وقایع  
 نگار اخبار (دیلی مبله) از عدم توجه و بی احتیاطی  
 قشون در باره وی تلف شده است

§ امپراتور روس (الکسیاف) خبر میدهد که یک  
 کشتی هوشک تلگراف روس ۲۹ شهر حال در سر  
 آرم بر کوهی منصادم شده از هم متلاشی گردیده  
 عملیات آن همه از عرق رسته اند

§ سلطان مسکو کیسول محسوس برای تحقیق حال  
 دوهی اروپا که یکی از اشرار در دیده تشکیل داده  
 بزوجه کرده است که برای تحت و خلاصی این دو  
 هر هرگونه بدتر شایسته باشد خواهد نمود

§ دولت امریکا دو کشتی در گرجان (ناحیه)  
 روانه نموده است

§ (۲۰ ربيع الاول - ۹ جون)  
 § از (مکدن) به پترسبرگ خبر رسیده که یکدسته  
 کشتیهای جنگی ژاپون که به فرود آمدن (سانکیوچیک)  
 و (کنجو) چند روز است شایک می نمایند

§ خبری از (ایالتک) به پترسبرگ رسیده که حاجتی  
 از روح مرحله رسد آرتر نموده لشکریان روس حلات  
 آبلن را ود کرده قصاص زیادها رسانیده اند  
 § از پیرو خبر رسیده که کشتیهای جنگی که  
 سینیان در باو سواحل بودند بلیاره سرداران روسی اند  
 بندر آرتر نسبت گرفته (جیو) رسیده معلوم

می شود چهار روز است که نیران جنگ عطیش در ده  
 بیلی بندر آرنهر مشغول است تمام جہازات جنگی در این  
 جنگ شامل اند مگر سه جہازات بزرگ و چند  
 کشتی های تخریب

§ در حبیبکازاپویان در (تالبوان) مشغول به پیرون  
 آوردن سرنگ های دریائی بودند دو کشتی های روس  
 را مروق یات گان میکند که یکی از آنان کشتی  
 (بیارن) است که مفقودالایر بود چون این کشتی دویست  
 تن بود و دست سه قدم طول داشت علاوه بر لوازمات  
 جنگ حامل سی و سه نفر لشکریان و در سال (۱۹۰۳)  
 دولت روس ساخته بود به طریقی بیم رسی طاهر  
 گردید در (دالی) مصادم با سیم سرنگهای دریائی  
 موهنق شده است

§ موح خریکه (حتول کروباتکی) میدهد یک  
 تومان لشکر ژاپون بر (سامانسی) که در شمال  
 (بیک هانچک) واقع است در هفتم شهر حال حمله  
 نموده قشون روس تاب مقاومت نیاورده محاصرت (فونک  
 جواپنک) قرار کرده صد نفر از لشکریان نیز مقتول و  
 مجروح گردید

( ۲۶ ربيع الاول ۱۰ حون )

§ دولت انگلیس تارکی وربر بخاری معرر نمود  
 § بسامنگان (جیمو) که از بندر (آرتور) رسیده  
 طاهر میدانند که سدر مذکور سحت دو محاصره است  
 § دو کشتیهای جنگی امریکا قشون خود را در  
 (ناحیر) محاصره آورده رن سیر اژیک که امریکائی  
 و در حال خود تنها مانده حوط میباشد

§ ادای مراسم عهده (بریم آف سی) - معاف از  
 قانون ملکی) که لارده کردن داده شده به تم حوالائی  
 قرار داده اند

§ سرمار ژاپون حنزل کروکی) خبر میدهند چهار  
 هزار نفر لشکریان روس که دارای شش هزاره توپ  
 بودند قشون ژاپون از (سیانک) الی (کسیانک)  
 هفت مایده مقلبت مذکور و استیضه خود آورده

§ قشون قشون ژاپون در جنگ (سبانی) پیروز  
 و هفت نفر بشمار آمده (نوار ژاپون ملک ۱۹۰۳)  
 مش دیده شده است

§ خبر (روتر) از اردوی (حتول کروکی) حکم شده  
 حال خبر بلاه که چهار اردوی فرانس و ژاپون از چنوا  
 جات (ایابانک - کینک - هانسی - سلس - روسیا)  
 را دوره نموده مملکت عدیده را به تصرف خود  
 آورده و درین حکمهای متعلق شست و پنج نفر بقتل  
 رسیده اند

§ در بیول حور رسیدم که روسها نواح شمال و  
 مشرق کوریا را کایه خالی نمود

§ فرقه دهه مسیحی که معروف به صلیب سرخ انداز  
 لندن دو هزار لیرا برای مجروحین و بیماران لشکر  
 روس فرستاده اند

( ۲۷ ربيع الاول - ۱۱ حون )

§ دولت انگلیس و اعلیحضرت دولت روس نموده  
 و برح وسائر احساس طویرائی را از اشیاء ممنوعه در  
 جنگ قرار داده اعتراض کرده است

§ دولتی انگلیس و فرانس در لشکر گرفتن از  
 ارامه ساسان بدولت عثمانی اعتراض کرده اند

§ (مستر رادریک) از جواب سوالی که در پارلمان  
 شده که آیا کپیسیون مخصوص دولت انگلیس مکالم  
 خواهد فرستاد یا نه انکار نموده است

کلکته

از بازده روز باین طرف سورت گرم هوای  
 کلکته بدوخته است که کتر از سوات سابقه این  
 حرارت احساس شده بود درین معنی سه چهار پارهای  
 نافع بارید از امراض مهلکه چندان شکایت نیست حده  
 اموات کلکته نیز نسبت سال سابق خیلی کم است

مراج جانی با اینکه لول است ططای وسط قیمت  
 اعل فروش میرسد پرنی را کجا این است که امسال  
 بازار چینی در بطور موج خیز تر خواهد بود

سبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

کلیہ امور ادارہ

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم ادارہ

آغا محمد جواد شیرازی است

مرد و شنبہ طبع

پوسہ شنبہ توزیع میشود

تاریخ ہوشنبہ

۶ وبع الثانیہ (۱۳۲۲)

مصادف با

قیمت اشتراک

(سالانہ -- شش ماہہ)

ہند - و برمه

۱۲ روپیہ -- ۷ روپیہ

ایران - افغانستان

۴۰ قوان -- ۲۵ قوان

عثمانی - و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا - و چین

۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک

روس - و ترکستان

۲۰ جون ۱۹۰۴ میلادی (خریدر نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) (۱۰ منات -- ۶ منات)

روزنامہ مقس

# سبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

قل از دریافت نمودن قبض ادارہ

در این حربہ از ہرگونہ علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملق بحث میشود  
مراسلات عام اللامہ معنول و در انتشارش ادارہ آزادست

### فہرست مدرحات

- سیاسی
- مکتوب از ہوشہر
- مجلسی ارضخ احوال
- حاکت کوریا
- مکتوب از عراق عرب
- تعریہ داری
- اصلاحات جدیدہ یا خیالات عالیہ و بر اعظم
- خطابہ شاہزادہ آزادہ کمال الدولہ دہلوی
- داستان روسیا
- ترجمہ از اخبار الظاہرہ تشکیل مجلس روح اوراق
- اعلان اول
- اعلان دوم
- نطق حساب ممتاز السلطہ
- تاکرات
- کیفیت عبد اللہ نام نچویدار کرکمانہ عمرہ
- کلیتہ

### سیاسی

دولت روس تا اندازہ تیر تدبیرش کارگر شدہ  
چی از اہالی اروپا را مواخواہ خویش قرار دادہ است  
قرنہا میکند کہ روس در نظر اہالی اروپا ظلم و  
وحشی جلوہ نمودہ و باہر دولت کہ طرف شود و محکم  
آید ولو مخالف مذہب عیسویاہم بودہ باشد اہالی  
اروپا از فتوحاتش خوشود نمیشوند حق در جنگ با  
عثمانی فتوحات روس اروپائیانرا خوشنود نہ نمود و حال آنکہ  
ہر دولت مسیحی کہ با عثمانی محکم در آید ہمارہ از اروپائیان  
نصرت و برا در معاند خود میخواہند - این بود کہ  
از بدو جنگ با ژاپون اہالی اروپا علی سبیل الاطلاق قلباً  
مائل بتوحات وی نبودہ فلذا طرفداری ژاپون از آنها  
مقشع میگردد - چون دولت روس را ہمراہی و اطاعت  
اروپائیان خصوصاً امریہنہ خین در کار بود و با این

عقیدت و ہرت اہالی اروپا تا آن درجہ کہ روس مائل  
بود . صی المرام نمیکردید - تدابیر عملی وقوت رشوت  
چی از کشیشان آلمان و فرانس و بارہ از جراند مانہ  
آنان را ناخود مع عمودہ کشیشان در کلیسا وغیرہ  
نصرت دین عیسویہ را از خدا خواستہ ژاپون را ت  
پرست گفتہ صاف اطہار مدارند کہ اگر ژاپون روس  
را شکست دہد ضمیمہ سویت را دعوت خواہد  
نمود - علاوہ بر این اگر ژاپون عروس فتح را در سل  
گیرد یوراپی حکمہ در آئیہ اہالی شرق دہد . بیشد  
قبولیت دین مسیح تبدیل شدہ و بر طاقت کسیکہ  
در شرق اقصی دین عیسویت را قبول نمودہ نیز باید  
ترسید این سحان را نارناہ در ادہان عوام و حواس  
جای دادہ بدین تدبیر طرفدار روسشان قرار میدہد  
یکی از جراند آلمان می نویسد کہ اعظم مشکلات  
روس قات خزینہ بود - قرصہ حدید برا کہ مرادہا برای  
او تدارک نمودند روح تازه قالب روس دید و میتوان  
تصور نمود کہ از این و بعد آثار فتوحات روس در اقصای  
شرق است - در حقیقت این فتوحات و ناموریا را کہ  
دولت ژاپون در ابتدای جنگ حاصل نمودہ جدان  
قابل تعجبید نتوان شمرد چہ بہترین قشون مستعد ژاپون با  
غلبہ ہمد خجلہ نمودہ اند بر یک ہشت لشکر با روس کہ ابتدا

مستعد جنگ نبوده بلکه تصور جنگ نمی نمودند. فتح اورا گویند که پس از استعداد کامل روس يك صد هزار لشکریان نخبه ژاپون با يك صد هزار قشون ممتاز روس با تعادل و تساوی ادوات جنگی مقابله نمایند آنوقت اگر ژاپونیان فتح کردند علم جنگ و شجاعت و میداننداری آنان قابل تمجید خواهد بود. فتوحات ژاپون را ابدًا عاقبت نیک در پی نیست و این نام بلند نور و شجاعت ژاپون مانند چراغ سحری است یکی از حرائد امریکای نویند که پیش آمد امور خاصه حالات آتیه جنگ بر احدی آشکارا نیست. ولی تا امروز در هر میدان لشکریان ژاپون شجاعتی بخرج داده که تاریخ مثال آنرا نشان میدهد از این رو میتوان تسلیم نمود تا وقتیکه دولت روس دو گونه ژاپون استعداد جنگ ندیده و قشون در اقصای شرق فرستد با ژاپون مقابله نتواند کرد و در سوق عسکر آنچه را جمیع سیاسيون تصدیق دارند مصارف ژاپون نصف است و ژاپون ارووی تحقیق يك میلیون قشون میتواند در منچوریا بمیدان آرد و هرگاه روس مقتدر شود که و مایون قشون در اقصای شرق فرستد هیچگاه از عهده مصارف آن بر نخواهد آمد و نتیجه این خواهد محشید که در هر میدان از ژاپونیان سمت تقدم خواهد داشت - این تازکاتیرا که روس مد نظر گرفته دو سال کامل مدت و ده گونه این قرصه جدیدی که حاصل کرده وجه درکار دارد و بچنگ آوردن قرض ثانوی برای روس خیلی دشوار است - برخلاف آن ژاپون امروزه هر قدر قرض بخواند در انگلستان و امریکا بدون درنگ اورا میسر تواند شد. از پیشرفت معاملات جنگی طهرمیشود که عاقبت دولت روس بدون مصالحت با ژاپون منچوریا را تخلیه نموده در (سایبریا) رفته مترصد وقت خواهد شد. و مدارک کامل برای حمله ثانوی بر (منچوریا) خواهد دید ولی کان نمیرود که دولت روس هرگاه (منچوریا) را تخلیه نمود دوباره موفق بر حمله آن شود - چه ژاپون که هوشیارترین هوش باید گفت تا جائیکه بتواند برای آتیه منچوریا را حفظ خواهد نمود - و از تدارکات لازمه باز نخواهد ایستاد - در هر صورت حرکات سرداران و لشکریان روسی تعلیه منچوریا را صاف

صاف می نمایند - و هرگاه رجال دیوار روس نیز مائل بدین امر نباشند چندی بعد برای قلت مصف جنگ به تسلیم این مسئله مجبور خواهند گردید آنچه تا امروز مبرهن و در هر مقابله لشکریان دولتین متنازعین بذروه شهود رسیده قشون روس در میران متدل و مبادات غلبه بر قشون ژاپون نتواند کرد یکی از دانشمندان ژاپون در روزنامه (دیلی میل) عنوان ذیل را نگاشته است

نقشه جنگ را سرداران ژاپونی چنین کشیده اند که بدو بندر (آرتھر) که مفتاح منچوریاست بدست آرد - چون حفظ بندر (آرتھر) منوط بر آن بود که تا فاصله بسیار دراز روس را از اطراف و نواحی آن دور دارند - ازین رو بعد از محاصره بندر (آرتھر) و قتل از تسخیر آن هم خود را به تصرف اطراف و جوانب آن مصروف داشته تا هرگاه دولت روس با استمداد کامل نخواهد بدان سوی روی آورد مدتی بسیار طولانی در جلو داشته باشد

تا دهم جولائی ژاپونیان تا چهل فرسنگ مربع اطراف بندر آرتھر را قبضه اقتدار خود خواهند آورد و چون ازین مهم فراغت حاصل نموده دانستند که روس نمیتواند بقشون بندر آرتھر کمک برساند. بیک حمله با کمال اطمینان بندر (آرتھر) را مسحر نموده مرکز بحری خود قرار خواهند داد - و چون ژاپون بندر آرتھر را به قبضه خود آرد از مستقبل (کوریا) کاملاً مطمئن خواهد ماند - علاوه بر این برای طرد و تبعید لشکر غنیم از (منچوریا) قبضه بندر آرتھر خیلی اهم و لازم است - در حقیقت فتح ژاپون آن وقت مسلم خواهد بود که بندر آرتھر را قبضه خود آرد - چون بندر (آرتھر) تسخیر شود بدون تأمل دولت انگلیس بندر (وهایوی) و سواخلی که بدین شرط از چین حاصل نموده بود که (ناروس) در بندر آرتھر است آن بنادر و سواحل در قبضه او باشد) تسلیم ژاپون و مسترد بچین خواهد کرد چون ژاپون از این مهم فراغت حاصل نماید محض حفظ آینده چین بندر (ولادی و دسک) را مطمع نظر گذارده جمیع هم خود وقوت خویش را صرف تسخیر کاپد شرق اقصی خواهند نمود

ولادی و دسک را در سال هزار و هشتصد و نود و

يك امپراطور حاليه روس سنگ اول بنای آذربایست خود نهاده و قلعه بسیار عظیم در اندرون شهر ساخته اند برای حفظ راه آهن سیریا مانند (ولادی و دسک) هیچ مرکزی دارای اهمیت نیست - چون دولتی مانند ژاپون با کمال موشیاری و استعداد بندر (ولادی و دسک) را بقبضه خود آورد دولت روس يك مرتبه باید چشم از همه گونه منافع موهومه خود در اقصای شرق ببوشد - و پس از تسخیر ژاپون (ولادی و دسک) را طرد و تبعید او برای روس مشکل بلکه ممتنع است - در آن صورت دولت ژاپون باندک توجه جمیع منجوریا را متصرف شده لشکریان روس را اسیر و دستگیر میتواند نمود دولت ژاپون بهمین تدبیر و اصول تا امروز پیش رفته و مقضی المرام گردیده است

دومین سرداران روس در اقصای شرق یعنی بعد از جنرال کروپاتکن (جنرال استاکلبرگ) است چنانچه از تکرافات احساس میشود ژاپونیان ویرا دوره نموده راه گریز را بر او بسته بصارت اخیری در محاصره اش انداخته اند هرگاه ژاپونیان ویرا دستگیر نمایند روسها خیلی دچار غم و الم خواهند گردید

بهر حال ماقبت امر بکجا منتهی شود غیر معلوم است ولی بدون اختلاف همه ارباب سیاست و درایت و صاحبان خبرت در امور جنگ تسلیم دارند که تا امروز ژاپونیا فتوحات بینه و تقدیمات ظاهره حاصل نموده اند بشارت اندرونی روس که روز افزون بالا میکیرد زیاده مورث اغتشاش حواس رجال دولت مشارالیهها گردیده هرگاه اندک بلای این بلوا بالا گیرد و کسب عمومیت نماید طبعاً روس را از توبه جنگ اقصای شرق باز خواهد داشت و پیش از پیش ژاپونرا فیروز مندی دست خواهد داد

چه آید بموت توان کشید

چه برگشت زنجیرها نکشد

یکی از مسائل سیاسی که باز تازه اهمیت پیدا نموده هانا اجرای اصلاحات مقدونیا و اغتشاش تازه ارمنیان و توجه دول اروپا بجانب عثمان و حایه باحق فرنگیان در حق باغیان دولت مشارالیه است. جمیع دانشمندان منصف تسلیم دارند که دول فرنگ تا جائیکه امکان داشته

باشند دولت عثمانی را فرصت نغیدهند که بمخود سازی گراید - تا جندی با سایش در ترقیات اندرونی خویش کوشیده حیثیت مالی و تعمیرات ملکی خود را درست نماید - چه سیاسیون اروپا را عقیده این است که هرگاه دولت عثمانی سالی چند از امور داخله خود آسوده ماند همسایگان خود را دچار خطرات بزرگ خواهد نمود این است که بذریه هم مذهبیان خود که از رعایای عثمانی اند بنای فتنه و فساد را نهاده چون عثمانی در صدد تنبیه بر آید به تهمت ظلم و ستم و تعصب مذهب بحایه اشعار برخاسته باغیان و بلوایشان را شیر دل و قوی پشت ساخته بلوا بالا میکیرد

چون دولت عثمانی نزدیک است باجبرای اصلاحات مقدونیا مقضی المرام شده این آتش فتنه را بمخواباند مجدداً آرامه عثمانی را برانگیخته فتنه خوابیده را از نو بیدار کرده دولت آنازونی را سنگ روی بچ نموده مدعی با عثمانی ساخته جمیع دول اروپا نیز بدیدن دیرینه خود در حمایت او مدعی با عثمانی شده برخی از تکالیف که مورث ضعف دولت و قوت اشعار است پیش خواهند نمود چون غالب دول اروپا بر مخالفت عثمانی در باره بلوای گذشته آرامه متفق بودند و دولت روس را حامی و مؤید خیالات عثمانی دیدند مجبوراً چشم از مقاصد خود پوشیده تغییر مسلک دادند - امروز که دولت روس در اقصای شرق دچار مشکلات شده و میدانند در مسئله آرامه با عثمانی همراهی نتواند کرد - موقع اجرای مقاصد دیرینه خود را دیده همدست اتفاق گردیده اند - همین نکات است که طبعاً دولت عثمانی را از پیشرفت امور سیاسی و انتظامات داخلی خود باز میدارد

باید دید که این مسئله منجر بکجا شود و دولت عثمانی تا چه پایه زیادتی های بلتیک اروپایشان را تحمل خواهد نمود

(روت) باز برای جناب توجه طامه اروپاییان تا کراقات موش اشاعت میدهد و ظلم و ستم عثمانیان را نسبت برعایای صواوای خود شهرت میدهد - مسلم است که دولت عثمانی باین هیاهوها از خیالات خویش نمیکرد و تسلیم مقاصد دولت حریص را نمی باید و منظور است که آخر الامر دول فرنگ مجوزاتی چند بدولت عثمانی درباره آرامه پیش خواهند نمود و امر منجر بجنبک

عظمتی شود و کارها سخت گردد ولی گمان نمی رود که دولت امریکا شخصاً تا بقدری که امر منجر بجنبش شود بایستد آستریا نیز آن قدرت را در خود مشاهده نمی کند. یا همه دولت متفقاً باید بجنبش عثماني اقدام نمایند یا بعد از هیاهوی اخبارات فرنك صورت اولیه قبول شود اتفاق جمیع دولت در مخالفت با عثمانی با اختلافات پنهان و اغراض شخصی و تباین مقاصد دولت حریص فرنگ دشوار می نماید اتفاقات ظاهری غیر از اتحاد در اقدامات حسنی است خصوصاً در صورتیکه مسأله آلمان و روس شریک در پیشرفت مقاصد آنان نباشند نتیجه آخر همان است که بعد از هیاهوی بسیار تجاوزی چند پیش کرده که دولت عثمانی البته باید مجری دارد - دولت عثمانی نیز در اجرای این گونه مقاصد خیلی با بصیرت و داناست

روزنامه (هرالد) ترقیات آئینه آسیا را موضوع بحث قرار داده آن نامه را بحاجت ایران کشیده می نویسد. که این دولت قدیمی شوکت که در انقلابات زمان چندبست در اقطار سیاسیون مغرب زمین کوچک جلوه نمود ترقیات بزرگ در پیش دارد - این تصور از چهل سال است سیاسیون غرب را مجسم شده که چون در ایران رسوخ دو همسایه قوی بخواهد شام و جنوب زیاد است عنقریب یکی از آنان عیب نموده تحت اقتدار خود خواهد آورد. و یا مال المصالحه سار مسائل متنازع فیهمش قرار خواهد داد - و نادوستانه بین دو همسایگان حریص خود تقسیم خواهد شد - ولی جنبش صدیقی ایرانیان که در اصلاح امور داخله محسوس می شود جمیع این تصورات را باطل نموده بلکه اگر بنفرد در بطول مسائل سیاسی آسیا نظر اندازیم عظمتی در آینده ایران را مشاهده می شود که جمیع دول را مرعوب خواهد داشت - چه این جنبش ایرانیان را در ترقیات ملیه و دوايه هیچ چیز جلو نگیرد و چون جنبش ترقیات را چشیده و در این جاده مستقیم افتادند رسوخ همسایگان طبعاً رائل و استقامت و استقلالشان آنان قدرتاً قلم می ماند

در ممالک آسیا عموماً سعادت دولت و نیک بختی ملت منوط بصل و دانش و سیاست و کیاست شخصی

بادشاه و وزیر اعظم شان است جمیع سیاسیون مغرب حسن استقبال ایران بلکه نورات عموم آسیا را در بر تو خیالات طالب شاهنشاه حایه ایران که به پلر کیرونا پلیون وقت مشهور است میدانستند - چنانچه در اولین جنبشی که در ابتداء سلطنت نمودار فرمود جمیع تصورات خیر خواهانه سیاسیون را تصدیق نمود - ولی دیری نگذشت که تفاهت در باورین و خیالات سقیمه صدر سابق جمیع تصوراتیکه درباره ایران شده بود باطل و باطل گذارد بلکه بقسمی شیرازه دولت ایران از هم باشید که چراغ سحری را خبر میداد چنانچه ماحدر روزنامه نمره (۴۲۵۱) در مارچ ماه گذشته پس از موازنه خیالات اولیه این پادشاه در ابتداء سلطنت و وضع موجوده آلمان بدین عنوان متمثل شدیم

( خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود )

از بعد انفصال ( آناک ) و واگذار شدن جمیع اختیارات بقبضه شاهزاده باداش عین البوله وزیر اعظم و اجرای کارهای اولیه و اقدام در مقدمات ابتدائی ترقیات ملیه و دولیه نمودار شده همان نورات طایفه و مملو به رعایت بخیری ایران آشکار گردیده است تاکنون همسایگان جنوب و شمال ایران در مسلك و مشرب این وریر با سیاست و تدبیر سرگشته و حیرانند بمصدق

( هر کسی از طری خود شد یار من )

( ور درون من نجست اسرار من )

هر دو همسایه جنوب و شمال از او خوش و دندو تا هنوز مردی بدین مسلك و مشرب نیستند وزارت ایران نه شسته اصلاحاتی که پیش گرفته همه مال اندیشه و خیالاتیکه مد نظر گرفته جمله سیاسیاه و مدبرانه است ایران در مرکزی واقع شده که چون پای بدامنه ترقی نهد جمیع آسیا را احاطه تواند کرد ترقیات واپون در اقصای شرق محدود است ولی ترقیات ایران در قطعه آسیا مانند سیل جاری خواهد شد - پس میتوان گفت دیری نخواهد گذشت که دولت ایران در دول آسیا مقامی بسیار مبیع حاصل خواهد نمود که قرنهای دولت واپون آن پایه و موقعا حاصل نتواند کرد - عظمت قدیمی ایران هنوز در قلوب طلیان جای گزین است و این نکته پس از ترقیات بمقتضیه وقت برای جلب عظمت قدیمی ایران خیلی مؤثر و کار آمد است

### مکتوب از بوشهر

در این چند روز از هر طرف خبرهای موحش هونك مرسید که حوالی بوشهر را ناخوشی منحوس فرا گرفته دهشت زیادی در مردم پیدا شد - جناب آقا دریاچی امیر تومان حکمران خلیج و جزائر انعقاد مجلسی فرمود که هر کس رای خود را در انستاد و جلوگیری این سیل بیتان آن زندگانی ظاهر سازد - آراء متفق گشت در تنظیف شهر و پاک نمودن کوچهها و بردن خاک روهها در خارج شهر - همان مجلس بانصد تومان از حکومت و ادارات گمرک و پست و کار گذاری و نهار محوم جمع شد - اکنون مشغول بتزییات نظیبات شهر و تنقیه جاهها که کلیه امراض از خوردن این آبهای کثیف سنگین است هستند - هنوز اهالی از این حال آسوده نشده بودند که از شب یکشنبه ششم ربیع الاول سنه (۱۳۲۲) آغاز به زلزله شد اغاب روز و شب زمین در حرکت و لرزش است - و در این هفت روز بحساب نمی آید که چند مرتبه زلزله شده ولی از فضلات الهی خرابی نرسیده حتی سنگهایی که از بیرون شهر آورده روی یکدیگر می چیدند برای بنائی از هم نریخت - امید داریم که از نیت پاک حضرت اشرف وزیر اعظم مدظله و جناب اجل آقای دریاچی حکمران بنادر دام اقباله بر جمیع بندگان خدا و اهالی بنادر خلوش گذرد و رفع جمیع بلیات ارضی و سانی بشود آقای حشمت نظام که بمعبیت اردو چهار ماه قبل بسمت محرمه و اصلاح عمل مالیه طایفه (بی طرف) با حضرت سردار ارفع رفته بودند بمحداقه قسبی شد که اهراب بدون زد و خورد مالیات را قبول و با جناب سردار ارفع صلح کردند - در این هفته از محرمه عودت نموده گویا به سمت ریاست قشون بوشهر توقف فرماید

چون مسیو دمبول مدیر کل گمرک و پست بنادر خلیج چند سال بود در بنادر خدمت کرده شش ماهه اذن مرخصی حاصل نموده که در ملزک رفته بخانه خود سرکشی کنند نایب رئیس نیز معیت ایشانرا دارد لذا در این هفته مسیو وافلار رئیس گمرک عربستان از محرمه به بوشهر آمده که در شش ماهه غیاب مسیو دمبول قائم مقام ایشان باشد و همین دوسه روز مسیو

دمبول و مسیو استاس بطرف طهران و بزرگ سرت میبایند -

### بجلی از شرح احوال مملکت کوریا

این مملکت را (شوزن) میگویند که معنی آن صبح ساکن است - این مملکت واقع است در مشرق آسیا در شمال شرقی چین بواسطه رود (یلو) از سرچشمه آن تا معذب او در دریا و در جنوب (ولادی و دسک) واقع شده و این عبارت است از شبه جزیره که بمقد است بین دریای زرد و ژاپون و مساحت اراضی آن (۲۲۰۰۰۰) کیلومتر مربع میباشد و سلاسل جبال زیاد در او واقع است چنانکه در طول ساحل شرقی آن سلسله جبال است که ارتفاع آنها از (۱۵۰۰) تا (۲۴۰۰) متر است و در فقی مواضع کوههایی اند متفرقه که از یک دیگر بواسطه دره های زیاد جدا شده اند - زمین هموار آن کم و کم وسعت است رردخانه آن بسیار است مگر آنکه مجاری این انهار بواسطه کوناهی عمق قابلیت ملاحی و کشتی رانی ندارد معروف ترین انهارش رود (یلو) است که میریزد در خلیج کوریا و نهر (ناک تنغینگ) میریزد در دریای ژاپون و در این دو رود خا بمسافتیکه زیاده از (۲۰۰) کیلومتر مربع نسبت کشتی رانی ممکن است

سواحل کوریا از جهت بدریای ژاپون متصل است و تقاطیع زیادی ندارد اما در سمت جنوب تنگه کوریا و در مغرب از سمت دریای زرد و خلیج سواحل آن دندانهای زیاد دارد که صعب العبور است و مهم ترین اینها (جمع الجزایر) است که اسکله (کلبو) و دارای جزر و مد است

### آب و هوای کوریا

در جنوب کوریا و وسطش میزان الحرارة صد درجه (ساتی گراد) است در زمستان (۱۶) درجه زیر صفر و نشان میدهد - و در تابستان درجه حرارت تا (۲۴) بالا می آید - در سمت شمال (دبول) سرما شدید میشود در زمستان - و آنها منجمد میگردد - و در تابستان بارانهای متواتر میدهد

### محصولات کوریا

مهم ترین آن برنج است که سرمایه غذای اهالی

است و در طرف شمال اکثر مزارع آن حبوب و درخت شکر و سبزی جات است و پنبه و کتان و دخیلیات کم است و جنگل زیاد دارد که در آنها حیوانات پوستین دار زیاد و صید دریا در سواحل آن بسیار است - بواسطه شعب جبال زراعت در اراضی آن دشوار و اهالی آن فقیر و اکثر اراضی قابل زراعت هم باژولم یزرع است و کمی سکنه و جنگلهای دائمی و در این مملکت معادن طلا و نقره و مس و رصاص و آهن و دغال سنگ بسیار است که استخراج شده (مستوکام بل) سفیر انگلیس میگوید معادن طلا در آن بسیار بزرگ است با اندازه که اگر استخراج شود از همه معادن عالم زیاده خواهد بود

### صنایع کوریا

در فرهای گذشته صنایع نسجه دو این مملکت شایع بوده که امروزه اثری از آنها باقی نیست و اینک منحصراً است صنایع آن بانیمه ساده و ساختن کاغذ که از پوست درختی مخصوص نیمه برداشت میباشند و این اوراق را در جامه ما و غوض جام شیشه استعمال میکنند

### تجارت کوریا

صادرات کوریا سیلاب - ارجه برنج است و باقلا و پوست و ماهی و با پنچوری و چین معامله تجارت دارند اما تجارت داخلی آن بواسطه بودن اسباب مواصله مثل راه آهن و غیره اهمیت زیاد ندارد (قی دارد)

### کتاب مکتوب از عراق عرب

در چند عرصه شرح - ارقین و - یب برای بلده کر بلا را - مروس داشته - زم لارم آمد مختصری عرض نمود که بعد از حضرت مزوره بیدد میباشند هر ساعتی از گوشه فراد روار بچاره انداخت چون ماهی بدارند و سدی در راه خود می بینند بکالی باکی روز و شب مشغول کار و عمل خود میباشند تمام کسبه کربلا سارقین را می شناسند اما کو صاقت دم زدن مسلم دزد که ماهی نداشته و با ضابطیه دوست باشد هیچ خوف و هراسی برای او باقی نمیاید ارنکه کسی نمیتواند بجناب مستطاب اعلی حضرتلو عبداللطیف پاشا متصرف عرصه دارد و حال آنکه پاشا مزی الیه همه نوع آسودگی اهالی و کسبه را عموماً و زائرین را خصوصاً خواهانند در بزرگان هم کسی را ندارد که به عرض جناب معظم الیه

رساند میگر آنکه مندی ابرامیت بجز چاقیت و زبان ملت روزنامه مقدس جبل التین البته هرگاه شده هر این موضوع بحث فرماید بقین است رفع این بی حسابی بین خواهد شد

مسئله سکه عراق هم کار را بر مردم صعب نموده است هرگاه سکه اعم آرانیکه نقره باشد یا طلا مجیدی باشد یا لیره و پول سیاه قدری بد سکه یا قبلی ترکیده باشد در کربلا هیچکس قبول نمیکند چه اجزای دیوان بر نمیدارند در بغداد همه نوع پول رواج است مالیده و ترکیده و صاف و غیره را بر میدارند در کربلا چون اعضای حکومت بر نمیدارند مردم لابد باید چیزی کم نموده بدهند بصراف صرافهم میفرستند بغداد تماشاها دارد که وجه اعانه هم بهر اسمی باشد ازین یواها بر نمیدارند و از این رو ضرر آن بزوار خیلی وارد میشود چه خبر ندارند و میگیرند زمان صرف کردن باید کلمی یا حزقی به تفاوت صرف پول بدهد پول اعانه نیز بهر اسمی که دریافت میباید باید پولهای بر سکه باشد راه آهن حجاز که چند سال است مشغول اند از قرار تقریر حجاج نا بحال هشت منزل کشیده شده سه منزل از قدیم بود در هر صده سه ساله پنج منزل کشیده اند

مقصود سکه دوات است که اسباب معطلی کسبه و غیره فراهم میشود ترکیده مجیدی مثل دو قرانی ایران نیست که نصف ترکیده باشد کمی مالیده یا کوشه در است این نوع ایرادها میگیرند

مطلب اهم عمل بسته است سابق بر این تلگرافات عراق هر گاه بیکتورش - رخ که هم قران ایران باشد میگردند مدیر تلگرافخانه ملاحظه نمود که در سال چند تلگراف بشتر زده میشود تدبیر کرده هر گاه بیکتورش رائج نمود که هر چهار ضررش رائج بیکتورش صانع است مردم تلگراف زیاد داده و میدهند تلگرافخانه هم دخل زیاد تابیش میشود اهالی هم در رفاه هستند

عمل بسته خانه هم همین صورت را دارد که در خطه عراق عرب توله بیکتورش صاغ میگیرند مسلم است مردم هر روز به نجف اشرف و بغداد کار دارند لا اقل هفته چهار مرتبه خط میدهند اول که بسته هفته یکدفعه آمد و شد میباید و مردم صبر نمیکنند که هفته نیم قران وجه



مکتوب خیرخواهانه

( در بشارت تعمیر سد اهواز )

چون بندگان اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاهی از بدو  
جلوس میمنت مآنوس اوقات هائوش باجرای عدل و  
احیای شرع و تکثیر زراعت و ترقیات ایرانیان  
مصروف است

سزدرگر بدورش بنازم چنان \* که سید بدوران نوشیروان  
در روز نامه مقدس جبل الماین بشارت صدور  
فرمان جهان مطاع را در بستن سد اهواز با کمال  
بشاشت زیارت نمودیم

در نوبت خلافت نبی عباس که شهر اهواز در  
زراعت و تجارت باعلی درجه عظمت و حشمت رسیده  
بود حاصل زحمت هزارساله بود - ولکن اکنون چون  
اسباب وصول و ایصال مالالتجاره در کره زمین بسیار  
آسان است در صورتیکه بند اهواز بطور مختار و  
بسیار استوار بسته گردد و قشقه قشنگ شهری باندازه  
قدیم بکشند اهواز در مدت بیست سال بمقام بزرگی  
خود خواهد برگشت - بلکه باین نمونه و پیکره که از  
توجهات وزارت عظمی ممالک ایران روجه امنیت و نظام  
نهاده عقرب می بینم که از بندر محرم تا اصفهان و حرم  
آبا - خرم و آباد شود - صاحب محفلة العالم مجلی از مفصل  
عظمت شهر و آبادی اهواز بیان فرموده که در اینجا  
نقل میکنیم

سد اهواز که ارندهای عظیمه و برالسنه وافواه  
دایر است و آنها را بسیاری از دو طرف آن بند نمایانند  
که همه آنها خراب و احدی بجز تعمیر نیست و  
کسی را آن توانائی هم نمانده است که باین کارها اقدام  
نماید و بر تقدیر بالهوه بی انتظامی سامنت در ایران  
کسی را یارای آن نگذارد که باین کارها پردازد مگر  
این که از سرکار پادشاهی باو اعانت رسد

شهر اهواز از بلاد عظیمه عالم و در خوزستان  
بلکه در ممالک دیگر هم با عظمت در بزرگی کتر شهری  
دیده شده تمام پشه و جنگل و اراضی آن شکرستان  
بوده است و اطافی که از برای ساختن شکر ساخته  
اند مثل حوضهای بسیار بزرگ و سنگ آسیابها  
و غیره آنقدر در آن سر زمین بنظر می آید که عدد  
آنها را خدای داند و پس

خط نهند و صبر میکنند الی هفته دیگر همه  
روزه خطوط خود را به توسط همراه میفرستند و  
میگیرند هرگاه مدیر پسته هم تقابله مدیر تلگراف را نماید  
و تمهیدات فروش صلیغ را بکفروش رایج میکند  
و نگذارند همه روزه به توسط همراه اهالی بفرستند  
هم بستخانه و هم بچار نفع خواهند برد

تعزیه داری

بدستور سنوات طایفه امسال هم در قصر عالی سرکار  
نواب علیة عالیہ بیگم صاحبه مرشد آباد ( تاج المهد )  
از تاریخ دوم ماه ربیع الاول سنة ( ۱۳۲۲ ) مطابق  
( ۱۸ ) می سنة ( ۱۹۰۴ ) هشت روز مر روز اربعه الی  
ساعت ( ۱۱ ) مجلس هزا - خامس آن عبا در کمال  
شکوه و عظمت برپا می شد - و جمعیت زیادی از شاهزادگان  
اوده و میسور و مرشد آباد و اغلب عمائد و اطام  
و بزرگان و سائر طبقات هر روزه شرکت می نمودند  
و متخین از داکترین و واعظین مردم را بذکر  
معارف و مناقب و بیان مصائب اهل بیت عصمت و  
طهارت بیفرض می رسانیدد بالتخصیص جناب عمیقالماء  
المظام مولوی سید محمد حسین صاحب لکنوی با کمال  
طلاقت و بلاغت ذکر و واعظ و مصائب میفرمودند  
روز هفتم سرکار شریعتمدار آقا شیخ محمود صاحب  
گیلان شمس العلماء در کمال فصاحت و شیوا بیانی  
فارسی خاق را موعظه بایغ فرمود و بذکر مصائب  
اهل بچاس را مشمول حسنات ساختند و نیز  
مشهورین از سلسله ذاکرین مانند میر مهدی حسین  
صاحب مرشد آبادی و میر سجاد حسین صاحب  
لکنوی و جمعی دیگر در نهایت حزن ذکر مصائب  
فرمودند و سیلاب اشک از چشم خاق گشودند  
و روز هم بعد ختم مجلس نان و حلوی نذر که در  
بجا معروف به ( حاضری ) میباشد دوظروف و دستمال  
بسته تقدیم بخاق شد و هر روزه پس از ختم مجلس  
شربت و چای بخاق داده می شد در حقیقت اینگونه  
مجلس کتر اتفاق می افتد و آن نبود مگر از حسن اهتمام  
ر انتظام جناب خان بهادر حاج مولوی میرزا شجاعت  
لی خان که در کمال حسن خلق با جمیع طبقات مردم  
قتار می نمود و مصارف فوق العاده فرمود

در عهد دولت خلفای بنی عباس آن شهر بنایت معمور بوده است در تخمین بقدر جهل فرسخ در طول و می فرسخ عرض است که این آثار عمارات عالی و حمامها و کاروانسراها و مدارس و مساجد است با این وسعت همیشه بر سر زمین و خانه مردم با هم مجادله میکردند که مکان خالی و حای وسیع بدست کسی نمی آمد و خلفای بنی عباس که دایره دولت آنها اطراف آفاق را گرفته بود آن شهر را فقط سکا الحلب و مجمع المال نامیدند سکنه آن دیار تا کمال ثروت از کل عالم بتار بودند و آب دز فول که کاپش بقدر آب کزاست باین بند قبر داخل رود کرن میگردد و در آنجا که آن دو رود خانه یکی می شوند آن موضع را (وحیل) احوار گویند یعنی سندی که در احوار است این مردو رودخانه را بسته بودند که آب مردو رود حای باراضی و مزارع می نشست بقسمیکه بقطره آب چه صرف میرفت و همه شکر زنان بود که شکر احوار را باطراف عالم میبردند و آن رطاب شکر از ستاوه و هندوستان بایران و روم میرفت و باین سبب مردم آن دیار بدوات و ثروت و توانگری شهره آفاق بودند و چون وفور دولت موجب سرکشی و طعیمان آدمی است کما قال فی کتابه العزیز ان الاسان لیطی ان راه استغنی مردم آندیار همواره با حلهای کبار مجادله و اطوار نامه جار و خیرگی مینمودند تا این که علی ابن محمد منجم مشهور صاحب الریح سکه رنگبان و غلامان اطراف خوزستان که با شتری ایشان بمالیک اهل بصره بودند و لشکر خود قرار داده بود و باین سبب آن را صاحب الریح می گفتند در آنجا خروج نموده لوای خود سری رافراشت و با خانها سالهای دواز محاربه کرد و از اهل آن دیار بعضی موافق و برخی مخالف او شدند بالاخره که خلفا غالب آمدند دیگران ها را بهارت آن شهر رعبق نموده و مردم را بنحود وا گذاشتند و مردم بزار مجادله با هم و ریختن خون یکدیگر دقیقه فرو گذاشت نکردند و حکم از آن دیار مرتفع گردید صفا از بی داد اقویا مدمرق شدند و بقیه که بودند از عهده ضبط آن همه شکرستان طاجز آمده بای میزدین سبب فتنه و فساد متقطع گردید و سه سال محصول آن همه شکرستان را بر روی هم

آبار نمودند و مزارع و خانها رو به خرابی کرد باین سبب عقرب جراره که از جانوران مهلك و از مواد ارضیه حاره متكون می شود و در آن شهر بهم رسید و جمله آن شکری که در انبارها بود عقرب جراره شدند و این عقرب آن قدر سمیت دارد که اگر کسی را گزیده بعد از دو ساعت جان بجهان آفرین تسلیم می کنند و برقی برای او نیست و آن قدر عقرب تکثر شد که قوه دفع آنها نماند لهذا بقیه سکه مانده بودند خانها را گذاشته جلای وطن نمودند و هنوز هم در احوار آن جنس عقرب بسیار است احقر بچشم خود دیده ام حبه آن جانور قدر بند انگشت کوچکیت و تمامی جسم آن مانند زنگار از زهر سبز است ویش خود را بر زمین می کشد و باین سبب او را جراره می گویند و اگر بر روی قالین یا نمک بگنجد داغ بنش تا هر جا که بر آن فرش گذشته می ماند مانند میل گرمی که بر روی آن نمک کشیده باشند ~~سکرت~~ آن نمک تمام سوخته می شود و قواهل که از شوشتر به بصره می روند تا چهاررود در منزلیکه حدود احوار است با احتیاط هر چه تمام تر میروند و قابلی از اهراب بقدر دویت سیصد خاوار در آنجا قلمه ساخته و ساکن شده و تدابیر کم بسیار کرده اند که از آسیب آن محفوظ بماند رو بادانی دارد و مردمی که حایه در آنجا ساکن اند در فصل زمستان که باران میبارد و زمین شسته می شود در وادی جستجو میکنند و هر کس بقدر مقسوم طلا یا نقره یا حواهری پیدا میکند و بعضی اوقات دقتیه معتده بدست آید پیر کهن سالی را از مردم احوار در بصره دیدم که چند دانه اشرفی برای فروختن آورده بود و حرمت نمودن بکسی نداشت طلای بسیار اعلی و بوزن سه ربع مثقال موافق وزن اشرفی صنی در یکطرف بخط کوفی شهادتین مرقوم و بر روی دیگر دور اشرفی نام حای اربه و در وسط الفا در بالله عباسی رسم بود کنون در آن وادی بجز آحر پاره شکسته و خارها زهر آگون و هوای سموی قتال که در فصل تموز می وزد چیزی دیگر بهم نمی رسد

ابر است بر حای قر زهر است بر حای شکر  
 سنگ است بر جای دیگر خار است بر جای دیگر

اصلاحات جدیدہ با خیالات  
 عالیہ وزیر اعظم  
 ( از ۴۵ پارہ )

وزیر عاقل کامل کافی کاردان که همتش مصروف اصلاح ملک و ملت است اطراف و حوالی و خدم و حشم آن مرکب نمیشود مگر از اشخاص با درایت و کفایت که وجود خود را صرف رفاه و آسودگی رعیت نمایند و از وضع مرؤس حال رئیس را بخوبی میتوان استنباط نمود. وزیر عاقل شاه دوست ملت پرست اجزاء خود را موافق سلیقه انتخاب مینماید لذا لازم است که شرح حال چند نفر از اجزاء وزیر اعظم بیان شود تا از این رو میزان صحیح بدست آورده سخنان ما از روی مبالغه و خروج از حد اعتدال بشمار نیاید و معلوم گردد که ما را با حدی مرض و مرض نیست دوستی و دشمنی شخصی با کسی نداریم یکی از آن اشخاص محترم حاجی (مشیر) لشکر وزیر طهران است که شرح حالاتشان محتاج بذاکره و معاينه نیست. فعلاً چهار سال است مشغول نظم امور و انتظام مهمام جمهور است و در ایامت اوقات شاه رور خود را صرف رقابیت رعیت و آسایش ملت نموده ساعتی غفلت نورزیده است. تا حال از احدی دیده و شنیده نشده که معزی آیه از کسی سناحق حمایت کرده یا رشوت گرفته حتی را باعمال - و یا در مجلس سخنان نا شایسته بزبان جاری سازد - یا یکی تغیر و تشدد نماید. یا کسی را منزل خود راه نداده حاجب و مانع درخانه خود گذارده باشد. باوجود کبر سن طول روز و قسمی از شب را مداماً و متصلاً مشغول انجام امور ناس و ترفیه حال رعیت و رفع احلال امور شهر میباشد - این صفات از قبل خود ایشان است بافطرت و میل وزیر اعظم را بدین گونه دیده نمیدانیم همین قدر هست که اقدامات این مرد قابل تمجید و لایق تحسین است. اگر حالت او را بسنجیم و با وزیر سابق طهران که اوقات شبانه روزی خود را بهر ب مسکن صرف المیون و

سابق قبایح اعمال مشغول نموده مگر آنکه لدى الفرصه در صدد جلب منافع شخصی برآمده تسعیر ارزاق و گران غله را باعث شده موجب مزید فقر و تنگ دستی و درماندگی بیچاره گان میکردید و ملت بیچاره ایران را که حالت اطاعت و انقیاد شان روشن و معین است و حاجت با استدلال نیست از شدت تنگدستی و درماندگی مجبور باشوب و شورش در غیاب موکب هایونی می نمود و آبروی دولت و ملت را در راه هواجس نفسانی بر باد میداد هر آینه میزان حسن و قبح معلوم تواید شد و همه کس خواهد دانست که این مرد محترم ناچه درجه وطن دوستی و شاه پرستی دارد. و در راه منافع خود چشم از ملک و ملت نمی پوشد. و آه و ناله درماندگان را ارفع خویش نمیرستد -

و نیز رئیس اجزاء و کارگذاران اداره و وزارت جایزه اعظم را ملاحظه کنیم که در این زمان جناب میرزا رضا خان مؤید السلطه و از رجال با کفایت و درایت و دیپلمات ایران است و سابقاً در مال خارج بنوان مایندگی دولت علیه در دربار دوات آلمان توقف داشته کس علوم پلیتیکی و سیاسی نموده تربیت و تمدن و خیر خواهی دولت و ملت طیبی و جلی او گردیده است و موازنه نماید علم و حالات این مرد بزرگ را با عزیز خان و درویش بیابان کرد قلندر و پسر جاهل وحشی بی علم و اطلاع و ادب که رئیس و اجزاء اداره صدر اعظم سابق بودند این دو مثل را آیا مرد منصف دانا چه گونه تواند مقابل نمود. علم را با جهل چه نسبت است و شرافت را با رزالت و دنائت چه نسبت.

از همه دلیل واضح تر و برهانی محکم تر بر حسن نیت و خیالات و علو مقام این وزیر بزرگ حالت و وضع سلوک و رفتار فرانس باشی آن (اعظام الملک) است این مرد در ملت پرستی و شاه دوستی و ترقی معارف و خدمت بولی نعمت خود چندان سعی و مجاهده دارد که ما فوق تصور است. حظ و لذت خود را در آن میداند هیچکس نمیتواند بنوع خود

و نیک بختی و سعادت را در رفع ظلم و استبداد و آسودگی بچارگان و دست گیری مظلومان می شناسد تمام طبقات ناس از عوام و خواص هر مطلب و سخن که داشته باشد تا کمال رأفت و فروتنی استماع نموده بدون اینکه دیناری از کسی توقع نماید در انجام آن باقی الغایه ماده بکه منافی قاعده و قانون نباشد کوشش مینماید - فایده حزن نام نیک و غرضی جز خدمت بولایعت خود ندارد - هرکس بجای ایمرود بود در طرف مدت چندین سال که در ایالات عیدیه خصوصاً چهار ساله آخر در مرکز سلطنت دارای این مقام بلند بودی که اکثر طبقات ناس احتیاج بآن داشته اند میتواست صاحب آلا ف لوف و عمارات عالی و تجملات فوق العاده بشود - دلیل بر صدق مطلب آنکه این مرد با اینکه دو سال در عربستان و چهار سال در طهران متصدی اغلب امور ولایتی و حکومتی بوده و اینک زیاده از شاه است در بینگاه وزارت عظمی صدر اکثر امور و محل رجوع عامه خلق است هنوز استطاعت آنکه خانه و ماسی بخرد پیدا کرده بلکه وسعت اجاره کردن خانه مناسب شان و رتبه خود نیز نیافته بخانه که اجاره آن ماهیانه ده تومان است قناعت مینماید - با اینکه همه امالی طهران میدادند که خانه طایفه ده تومان از منازل طبقات عالی و متوسطه است - اگر این وضع را با حالت هنر جان و خانه و بارک آن مقایسه کنیم حای شبهه و تردید در صدق این مقال نخواهد ماند اگر ملاحظه حال یکنفر میرزا کریم خان که از بکرهای پست میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود بشود که مبل و اثاث البیت آن باندازه بود که کمتر از وزواة نظام و ارباب ثروت را نمکن بودی که در دیجره خانه خود را فرمایش دهد از مسکو و روسیه ساخته با کرایه و مخارج فرق العاده و مصارف زیاد بیاورند - مسلم است اینگونه ثروت جز از پول ملت بچاره ایران و تضییع حقوق دوات و ملت پیدا نمیشود - آیا اعطای المالك آیا راه اینگونه مداخلها را نمیداند؟ یقیناً میداند - بلکه فطرت نیک و اسلافی حسنه

و اعتقاد بیده و معاد و پیروی از متبوع منضمین بود و برا مجبور باین اجمال حسنه و پسندیده نموده است واقفاً باید تشکر همه این مراتب را از شاهزاده وزیر اعظم نمود که در حسن انتخاب احزاء فهم (تایبوم) دارند - و دانسته اند که ظلم پاینده نیست و بنیاد بی داد بس سست و بی بنیاد است از یتیم و اذیت حز خسران و خذلان نتیجه عاید نشود و غیر از سرشکستگی و آوری و زشت نامی در توریخ نتیجه حاصل نیست و عاقبت مورد ملامت دوست و دشمن و سرزنش خودی و بیگانه و فرین در ماندگان و غضب جبار و انتقام حضرت قهار منتقم ثمری روی بترتب نشود - ظلم بمذایبه آتش سوزان است که قلیل و اکثر آزار فرقی نیست

(الظلم نار نلا تحقر صفرنسا)  
(مرب جنودت نار احرقتم لها)

داد و دهش است که صاحب آن زنده جاوید و نکونام و محامی همه طوائف و مستحسن در نزد مخلوق و موجب رضای خالق است چنانچه حکیم اعلم در این باب اشاره فرموده است

فریدون فرخ فرشته نبود  
بمشك و بمنبر سرشته نبود  
بداد و دهش یامت آن بیکون  
توداد و دهش کن فریدون لوفی

مؤید الاسلاما بدین کلمات سرزنش ننمائید و تتم بسازید بگانه خداویدم سکواه صاق گفتار است از خود مملکت غرض و طایفه ندارم حب ریاست و مناع بیزوال این جهان دیده بینایم را کور نساخته بحقیقت ملیت و دیانت خطه اسلامیة قسم است هیچ گاه راضی نشوم سخن برخلاف راسخ و درستی که موجب سخط و غضب خداوندی است بر زبان یا خانه خود جاری سازم - حق گویم و جز در راه حق نیویم هر که را خوش آید و هر که را ناخوش رضای مخلوق را بر خوشنودی خلق ترجیح ندهم این مرد بزرگ و وزیر دولت خواه بزرگ بولای امر و زجر مطایه سعادت بونیک بختی ملت

خود میخوام و نشر محامد وصفات حسنه آنرا فریضه دیانت خود میدانم -

تلاسه از مطلب خود بکنار نشویم آنچه من دانسته و فهمیده ام این است صکه وزیر اعظم در امور شرعیه نهایت مواظبت را دارد و از اعمال خلاف شرع طبعاً رنجیده خاطر است همی عالی و همی کامل باحزبی شامل در اصلاح امور ملک و ملت که شیرازه آن گسسته بود دارند - و اجزاء و ارکان خود را جز بدینگونه نمی پسندند - مردمان خائن و مفسد و رجال شرور و مودی را به حضراتش راه و باریست مجلس مقدس و از سخنان زشت و مردمان نالایق منز است - درویش و قلند و در دربارش سلسله جرسی و بکی دزد و کذاب فرسخها از آن گریزان - در محفلش جز ترقی و تقدم و اصلاح شئون دولت و ملت ذکر نشود - و صحبت آن فقط واجع باخلاق و بتیک و حفظ منافع آئیه است - نه چون آشیاد طراکه قلبان جرسی کشد و برگ کوك نار را مایه سعادت شارد و مجالست ارذل طوائف و پست ترین اشخاص را سرمایه مباهات محسوب نماید - در مجلسیکه جعی از دانایان نشسته اند باها بدیوار کشد و باحالت سکر و محق در حالتیکه ارجام هوا و هوس لبریز است تصنیف خواند - حیف که جریده مقدسه از آلابش اینگونه سخنان زشت میرا است و گرنه شرح مجالسش را نوشتنی افسوس هزار افسوس ۱۱۱

بالله - شاهزاده وزیر اعظم اول طلوع صبح صادق برخاسته مشغول نماز شده تا فراغ نماز باید تمام مستخدمین و منشیان حاضر باشند باستعدادات چراغ مشغول بخواندن و نوشتن و صورت دستورالعمل و احکام لازمه وغیره میشوند - در طلوع آفتاب از برای استماع مریض ارباب رجوع حاضر هر کس بیاید بلا واسطه حضور رفته مطالب خود را عرضه دارد و جواب گیرد و در طبقات مردم تفاوتی نیست - معنی گشای حقیق که فلاسف در شرح آن کتابها نوشته اند

درین موضوع محقق است - هر که زود تر آید زودتر \* مرض خود را اظهار میکند حاجب و مانع درکار نیست در ب خانه سر باز و قراول و نوکر حق گتنگو و عاملت ندارند قایی و با ساجی جرئت مذاکره نمیکنند فی الحقیقه موضوع شعر خواجه این در خانه است

( هر که خواهد گو بیا و هر که خواهد گو برو )

( کبر و ناز و حاجب و دژبان در این درگاه نیست )

تمام اجزاء از بزرگ و کوچک با چهره کشاده و بشناس خلق را ملتفت میشوند البته میدانید در سوابق ایام مردمان کاسب و بازاری و عامه ملکه درجه متوسطین از اجراء دیوان ترس داشته هیکل آنها را درست مثل موکابن عذاب میدیدند - و اگر امری لازم داشته در ازاء ده مرتبه ملاقات یکمرتبه آنها با خوف ولرز و وحشت با آنها ملاقات میکردند و نمی دانستند طاقت امرشان چگونه میشود - و اگر فرانس یا گاشته دیوان در طلب شخصی میرفت هر آیه آنکس از پشت با آنها فرار می نمود و اگر بدست میآمد تا محضر حاکم یا وزیر قریب همگ بود - مسایه مرده بحسم قدرت بر تکلم نداشت سبب عمده آن بود که رئیس اهل تحقیق و طالب حقیقت و عدالت نبود - اجزاء نیز چشم طمع بمال هر فقیر بچاره درخته بودند و اگر هم بر هم معلوم میشد که اینمرد گنهای ندارد باز میگفتند حام آمده باید عرق کند - و خدا نخواست اگر وریر میل بآن نمیداشت مرگ از برایش شربت آبگین بود - ولی امر از ~~سکایه~~ این وضع منقلب و حالت آملین برای عموم شده بیجهت کسی را متعرض نمیشوند مقصودی جز آسودگی ناس درکار نیست مردم باکال شوق و ذوق و اطمینان نورد میکنند پس باید قدر این ایام را داست و تشکر نمود وضع خوشی است و آسمان با سپای کشاده مزده و نشارت میدهد و دامنه استیبال روشن بنظر میآید اگر مفت خوران و مفسدان و شیاطین انس بگذارند از بس و عده بخود دادیم و تخلف شد افسرده و ملول شدیم امید است این دفعه درهای سعادت که بروی ما منهل و بسته بود بمتاح تدایران وزیر بخردند از چند کافی کشاده و متوح شود - باری - یک ساعت بعد از آفتاب برای قریب امور کلیه و مهم ~~مملکتی~~ بدر بار رفته بحضور

فایوی مشرف شده بود در اطاقی دربار بمذاکرات لازمه  
میردازند. و تا دو یا سه ساعت از ظهر گذشته در آنجا  
مستند و لدی المرصه هر يك از ادارات از قبیل كرك  
و توبخانه و صرابخانه و غیره رسیده و ملاحظات لازمه  
بمعمل آورده باز بجاه مراجعت مینمایند. تا چهار ار  
شب گذشته از برای اصفاء مطالب حاضرید. اعاب نوشتجات  
را باید شخصی دقت نمایند مهر خود را بکسی عیببارند  
و کارهای شخصیرا بکسی محول نمیکند و بصحبت مردمان  
بزرگ دانا حیلی شائق اند در اندرون بیش از یکساعت  
توقف ندارند گلی در عصر بیست و چهار ساعت پنج الی  
شش ساعت ریاده خواب میروند باوای اغذیه لبیده  
مصرف نیستند نگرهای دولت و ماتی و اعجاب آن کمال  
شوق را دارند شخصاً قوه احرائه شاهزاده صربالمثل  
است اگر امری از موقع خود اندک طول نکشد بکدر و  
ملول میشود بعیق و تأخر را حاضر نمیداند حزق و  
کلی امور در نظر ایشان یکسان است هاون و تساهل  
در جزئیات موحب فساد کالیات میداند در مطالب  
بصر صاه حکم میکند در حرکت حیلی ساده سوار میشوند  
و سا میشود بیده حرکت میکند اشخاص نال  
نیل را خوش ندارند (باقی دارد)

**خطابه شاهزاده آزاده کمال الدوله دهلوی**

(ار شماره ۲۵)

(عنوان هفتم)

خلاصه. عصر دویم دور پریان شد و پرمختگان در  
مات برآه پر و نال نشودند از این رو اکثر اسامی  
مهم و رهزهای ایرانیان بسام فرشتگان یاد میشود  
ماسد سندر. مرداد. تیر. اردی بهشت و غیره چون از  
پرمختگان استمداد میبجستند با اسمهای آنان ایام و مشهور  
حویشرا نامیدند و الان هم بیهان نامها باقی مانده است  
الحاصل (دیو) که در دور اول گیتی استیلا  
یافت و در عصر و دور دویم فرشته. میده این دو  
اعتقاد ترس و امید طبیعی است. زیرا که در طبیعت  
اسان اول چونیکه روز میکند ترس و بیم است و این  
چهارا يك ترس موحش مدهشی احاطه کرده

حق بادشاهان بسیار مقتدر از شنیدن يك صیحه ناگهانی  
و فریاد بچوقع برخود میلرزند و شیران درنده مهیب  
با سطوت از استماع صدای بر صرغ سخت میترسند  
و میهراسند. اگر چه دانشمندان جهان تا يك درجه  
کشف این اسرار را نموده و عات پیمایش این طبایع  
را در اسان و حیوان دانسته اند اما بحق واقع و تمامه  
هنوز مادی این طبایع مکتوف نگشته. همین قدر عرض  
میشود که ترس در طبیعت حافظ شخص و نوع است  
از خطرات این عالم. و اگر ترس در طبع اسان و  
حیوان بودی کمتر کسی از تلاطم امواج مصائب و  
خطرات این جهان جان سلامت بردی

سأ علی هذا اول حس و ادراك در طبع بشر  
خوف و عم و حزن و درك شاید الم است. حتی  
گرسنگی و تشنگی و برهنگی را با حس خوف و ادراك  
توأم باید دانست. از این بود در اول زمانیکه نوع بشر  
دارای ادراك شد در او ترس پیدانگشت از هر چه پیشتر  
میترسید برای آن حاصع تر و فروتن تر میگردد و  
چون عالم بر آن چنین بود آرا عظیم شمرده بستایش  
و نیایش برحاست.

از این برهان طبیعی استدلال مینمایم بر تقدم و  
سبقت پرستش دیو بر بیسایش پری زیرا که پری از  
حالت امید و سرور ارحمة رفتن اسباب ترس و خوف  
پیدا شد چنانکه حواحه گفته است.

(دیو چه بیرون رود فرشته در آید)

تا کنون استدلال سبقت دیوان بر پریان را تاریخ  
صحیح نیست و از چهار هزار سال قبل ابدأ تاریخ درسه  
در عالم یافت میشود و آنچه نوشته اند استغرابات  
تخیلات بوده است. ولی در تمام کتب (میسالوزی  
یونانیان و فرنگیان و ایرانیان و مصریان و هندیان نوشته  
که در يك عصر تمام کره زمین در زیر بجه قهر دیوا  
بود. حکمتای آسمای بفر مشر بر این معنی است  
دیو را شیطان نامیده و او را معلم الماکوت میخوانند.  
خلاصه نوشتهجات قدیم اینست که آدمیان بفر

و معاونت برهشتگان بیخ و بن دیوانه از زمین برکنند  
 مانند (نیمورس) دریند و غیره - این نکته با تاریخ  
 طبیعی موافق است چنانچه از پیش گذشت که بقوت نور  
 علم خوش خوش ظلمت جهرا که مقوی و مؤید  
 هول و هراس است از میان برداشته اندک اندک کشف  
 هلت خطر و هول را نموده در پیدا کردن معالجه  
 کوشیدند - محض ازدیاد بصیرت خوانندگان بر تاریخ  
 طبیعی کتابچه مختصری بدیشان نشان داده و آن کتابچه  
 مختصر بیجه آدمی است که تاریخ کوچک و آن مورخ  
 مختصری است از تاریخ بزرگ اسان و کیفیت حالات  
 و اطوار بیجه اسان تا زمان پیری و مرگ نمونه کتاب  
 بزرگ و اطوار و حالات نوع اسان است چون شخص  
 آن مورخ نوع است از اینرو در این عالم حالات طفل  
 یکساله تا سه چهار ساله که بیات زندگی و عقاید و اخلاق  
 اسانهای عصر اول را با نشان میدهد. و از سه ساله تا  
 هشت ساله حالت آمدههای عصر دوم را حکایت میباید  
 و از هشت ساله تا چهارده ساله حالات و اطوار عصر  
 سیم را بیان میسازد - و این عصر تمدن اسان است  
 که معام بلوغ او میباشد و بعد از این بیان خواهد شد  
 برگردم بر سر اعتقادات عصر دومین که ایرانیان  
 به برهشتگان و بریان معتقد شدند و به پری برستیدن گرویدند -  
 این اعتقاد در ایرانیان زیاده از هزار خصلت و خو  
 و طبیعت ثانوی تولید کرد - زیرا که اولاً باید دانست که  
 از هر اعتقاد یکنوع طو و حصادی در نوع تولید میشود  
 چه بسیار طبایع ثانوی بهم میرسد از این اعتقاد به برهشتگان  
 و بریان بیدار شد که فراهم آوردن احساسها و شد که حسنها  
 در باغها و گلستانها و طبیعتها به کوهسارها و چشمهها  
 و گلزارها مایل نمود و پیدایش سایه گل کاری و  
 صنایع طریفه و ظهور و قوت در طبیعت نمودار گردید و  
 پیدا شدن آواز موسیقی و مقام و دستگاهها و نمودار  
 شدن اس و الهت و مباشرت با یکدیگر و تولید حس  
 و ادراک حس و عشق و لطایف مفازلات و معاشقات  
 و شروع بنیظافت و پاکیزگی و طهارت و زیپندگی و

اظهار نایش و ضرور و کبر پیدا شدن رشک و رقابت و  
 حسد و غیرت و رفتن پوس و محافظت و درآمدن  
 تهور و شجاعت و جوامردی و وساحت و بروز حرفت  
 نقاشی و نجاری و طرح عمارت و معماری و پیدا شدن  
 رنگهای خوش و طرزهای دلکش و جمیع اسباب آرایش  
 و پیرایش حسن و جمال و ایجاد شراب و غیره در ایران  
 و ایرانیان شیوع و بروز بهم رسانید

خلاصه از اثر اعتماد به پری در حلهای باصفا  
 و هوا - حفظها و انجمنها تشکیل یافت و از اثر تشکیل  
 انجمنها این خواهی خوب و صفتهای مرغوب و امثال  
 آن در ایرانیان بروز نموده مایش و پیدایش حاصل  
 کرد - و افکار آنان در این عصر بسیار علویت پیدا  
 کرده اینقدر بسیط شد که بیانش شاید و بدگر نیاید ولی  
 برای مقدمه مقصود در اینجا بیک وحدت وجودی که  
 در ایرانیان از آن زمان پیدا شده اشاره میشود تا درجه  
 بسط و شرح افکار اهالی آن عصر ظاهر گردد

اولاً باید دانست دانشمندان فرنگستان که اساس  
 هر قسم صفت و ادراک و طبیعت را در این کالبد میدانند  
 برای تولید اعتقاد وحدت وجود در اسان نیز تشریحات  
 و توضیحات نموده اند - عشق از غلبه شهوت و  
 شهوت از حرکت خون است و منی که در وقت  
 طبعیان محل دمی برایش آماده نشود دو باره جز  
 خون گشته در عروق جریان مینماید از این رو در حیوانات  
 نر بوی منی از بدن و گوشت و خون ایشان در طغیان  
 منی استشمام میشود - گوشت قوچهای تخی بدین  
 سبب در وقت ازدیاد منی و مستی بدست - در اسان  
 نیز مثل حیوان حبس دم مناسبت طبیعی که در این  
 بیان آن لارم بست شده در دماغ اسان ماده  
 مخصوص تولید نموده که آن ماده مد - نوم و تصور  
 وحدت وجود است که آدمی عاشق النوع و  
 طالب الوجود میشود - و جوای هو هو گشته در دماغش  
 مرضی بهم میرسد که شرح آنرا باید در مکتب اهل  
 تصوف و عرفان خواهد - این مختصر پدساله گنجایش

آنچه نظریات - لاطال را نداشتند الحاصل این  
اعتقاد در عصر دوم در میان ایرانیان از غلبه شهوت  
و بروز عشق و عدم بوصول معشوق در جنس ایرانی  
ظاهر میگردد - نغم این درخت بدان روز کشته  
گشت - اگرچه آنقدر که عسر دوم خدمت طبیعت  
ایرانیان کرد در هیچ عصری تاکنون آفتد خدمت  
نگرده است - ولی امسوس که در آن فصل نیکو و زمین  
مستعد و هوای مساع این نغم بد کشته شد که ریشه تمام  
عیوب ماب ایرانیه از آن شده - چنانچه بعد از این  
عیوب و سررهای اعتقادات اهل تصوف عرض خواهد  
گردید - وهم در این عصر بود که ایرانیان دیوان را  
بدانست و هر چیز بد را بدیشان نسبت داده و (اهرمین)  
مکه به معنی معیوب دل است دیو گفتند و اهرمنان  
را قاعل هر شر بدانسته و برهشتکارا خوب و هر چیز  
خیر را از اثر کار آنان انگاشته و کمن کردند که ایشان  
آنانرا دوانیده و رانده اند (باقی دارد)

### داستان روسیا

#### عطف به سابق

#### آمدن فرستاده عثمانی به پترسبورگ

دستور آئین پادشاهان پس از انجام پذیرفتن آشق  
شهرار عثمانی (راسخ - پاشا) را با پایه بزرگ  
دستوری روانه پترسبورگ نمود و از برای کترینه و  
برخی دربانان چیزهای گرانبسا همراه او فرستاد بویژه  
چادر و سراپرده که سروارید نشان و سی هزار منات  
ازرش داشت از برای امپراتوریه همراه داشت و کترینه  
هم (کتوزوف) نامرا که پایه (فلهمارشالی) داشت  
از برای دستوری در دربار عثمانی روانه نمود و او  
تا روزگاری که در دربار عثمانی بود بسیار کوشش و  
پردن از دربار خواست نمود که عثمانی فرانسویان را  
که در حال اوهستند بیرون باید - اما چون عثمانی چنانچه  
نگاشته آمد روشی که از انگلیسان دیده بود در روزگار  
جنگ رواندبد فرانسویان که از روزگار دراز دوست  
یکگاه او بندار سود برنماید بلکه در مهربانی به آنان

#### خود داری نمود

(- بیوند نمودن روس خاک کورلاندا را بخاک خود)  
خاک (کورلاندا) درکنار دریای بالتیک و دارای  
بندر بسیار و در میان سامان (له) و روس افتاده کشور  
پرسودیست از برای سوداگری و پایتختش شهر (میناء)  
است و مردماش کیش (لوتران) را دارند از روزگار  
پیش يك (دوقه) بود که مخودی سلود فرمان میراند  
و در آن اندیشه بود که ما (له) یکی شده و خودرا تکاملاری  
نماید همسایه او روس او را آرام نداده و در میان مردم  
آنها آغاز شوش انگیزی نمود و (دوقه - بيك)  
فرمانروای آنها را بهانه آنکه بیحرام از برای کار بزرگی  
با تو گفتگو نمایم (پترسبورگ) خوانده و از آرو بکسانیک  
از برای آسوب بدرون کشور او فرستاده بود فرمان  
داد کاری نماید که مردم گردنکشی آثار و از برای خود  
انحس برپا نماید و ناگزیری از گردن نهادن فرمان  
آشکارا سازد - برخی بدان سرور حاسمتد و گروهی از  
این اندیشه بر آست بر آنان ناخند و در میان آنان  
آتش شورش در گرفت و زد و خوردی بزرگ  
رویداد - در آن هنگام (سرکرده - جنرالی) که ر  
سر سپاهیک در سامان کشور آنان از برای جین روری  
کترینه آماده داشت فرمان فرستاد که بدرون کشور  
در آمدند - مردم را بیم و هراس دست داده آرام گرفتند  
و در سال (۱۳۰۹) يك کاغذی نگاشته و در او بزر دستق  
روسیه سکردن نهادن خود نوشته و با چند کس از  
بررگان و ریش سفیدان برگزیده خود به (پترسبورگ)  
روانه نمودند فرستاده آنها را دست از همه گونه دست  
آویزی کوتاه و دمردن نتواست و از آن روز کشور او  
بکشور روسیه پیوست و خودش بی سرو سامان ماند

#### جنگ روسیه با ایران

کترینه به آنکشورهایکه توانست به فریب و زیرنگ  
دست درازی نماید شکیا نگردیده گردن غیر خاربدن  
آغازید بهانه یاری یکی از خانان ایران بر آن سر شد  
که با شاهنشاه ایران آغا محمدشاه بستیز بر خیزد - بنشاید



تواند شهرهاشیک در کنسول دریای مازندرانست بدست آورد و در سال (۱۲۱۰) بجنگ برخاسته و لشکری را که از برای اجتنک آمده کرده بود فرماداد از میان دافستان گذشته و دژ (در بندرا) دوره نموده و بر مرعمان و کار را سخت گرفت لشکر آمد و دور دژ را احاطه نمود پیرکن - ایرا که شهریار ایران از رورگار (بتر) بنگاهداری آن دژ کاشته بود و يك سد سال داشت شهر را بروسیه سپرد - چون بجهان شهریار آگاهی رسید سپاه برانگیخته و جلو ریز خود را بدانجا رساند - لشکر روسیه سپاه ایران را هم مانند دیگر سپاهان انگاشته و برای جنگ به پیشواز آنان از دژ بران تاختد سپاه ایران در نخستین تاخت آنها پراکنده و پریشان نمود و بسوی دژ گریختند هر چند کترینه از برای با داری لشکری که در (قومان) داشت بیاری آنان فرستاد حز پشپای سودی بر نداشت

➤ مردن کترینه ➤

در ششم تشرین دوم سال (۱۲۱۱) پس از سی و پنجسال که بنام حادینق فرمان راند و سالتش بشصت و هفت رسید عمرک ناگهانی راه سپار سرای دیگر گردید و پسرش (پاولو) بجای او بخت پادشاهی جایگرفت و کترینه در پایان زندگانی از برای جنگ ما فراسه بیانی با انگلیس و اتریش میخواست در میان آورد - روزیکه بایست این پیمان نامه داد و گرفت شود عمرک گریبانش را گرفت و کار پیمان پس افتاد - نگاشته اند که در آن پیمان کترینه بگردن گرفت از برای سبز با فراسه شصت و پنج هزار سپاه روانه نماید - و اگر بیشتر در کار شد شمار لشکر را بهشتاد هزار برساند و تا هنگامیکه جنگ استوار و در میانست انگلیس توشه و مایهات - پاهی که در جنگ میباشند داده - گفتند از آن یازده هزار ویانصد ایرا پیشگی و هر ماهی هم هفت هزار ویانصد ایرا بروسیه دادنی باشد هر چند این یاری کردن روسیه بزرگتر می نمود - اما اندیشهانی آن بود - این دو پادشاه را از حق خود خراب نمودند پس پیمان پشپور را

دوباره همان یکبار پیمان این نامه ویژه سرگذشت پادشاهی کترینه بود و از پادشاهی (پاولو) چیزی ننوشته اند چون روزگار پادشاهیش بهار سال و چهار ماه و کاری که شایسته نگارش باشد از او بروز نکرده پس ما به نگارش گذارنش روزگار پادشاهی او تا یکپایه بپردازیم نخست پس از بر آمدن به تخت با خسرو ایران از

در آشتی در آمده و سپاه خود را پس خواند - دوم - پیمانها که کترینه با انگلیس در گفتگوی آن بود انجام داد و در سال (۱۲۱۲) از روی پیمان که در میان او و انگلیس بسته شده بود بجنگ فرانسه برخاسته و شست و دو هزار و پانصد از سپاهیان خود را روانه نمود که ساز و برگ آنها را انگلیس میداد و پیشین پست و سه هزار و هفتصد و پنجاه ایرا انگلیس بروسیه داده و ماهی هم هفت هزار و پانصد ایرا میداد

سوم - آنکه در آن هنگام فرانسه (بمصر) لشکر کشید پس روسیه با عثمانی يك پیمان پنهانی و يك پیمان آشکارا استوار نمود و در قسطنطنین داد و گرفت شد و با عثمانی از در یگانگی در آمد -

چهارم - آنکه انگلیس پس از آگاهی یافتن در آمدن در آن پیمان را آرزو نمود هر سه پادشاه هم پیمان و هم دست شدند

پنجم - پس از گرفتن آنحضرت و آمده های همت گانه را از فراسه آنها را (حزایر سبعة جمهوری) خوانده و پادشاه عثمانی - پرده پوشته از او گرفتند که این هفت آده از روی شکاش بخودی خود کار کشور خود را دهنده دیگری بکار آنان دست درازی نکند ششم - پس از رورگار جنگ با کنگاشیان فراسه آذوق نمود و از فیروزه نندیهای (پوتاپارت) دریفته او شده از هر رهگذر به او مهر و وزیده و اربروسیا واسوج و دایمارک پیمان دوری حستن از جنگ را گرفته و با انگلیس دشمنی نمودار نمود

هفتم - سن تقییس (ارکلی خان) که در روزگار او مرد پس از او بیگانی که در کرجستان در فر فرستاد